

سلیمان

فصلنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی

سال دوم ، شماره چهارم و پنجم تابستان ۸۴



OnLine: www.Tabalwor.8k.com

سال دوم - شماره چهارم و پنجم

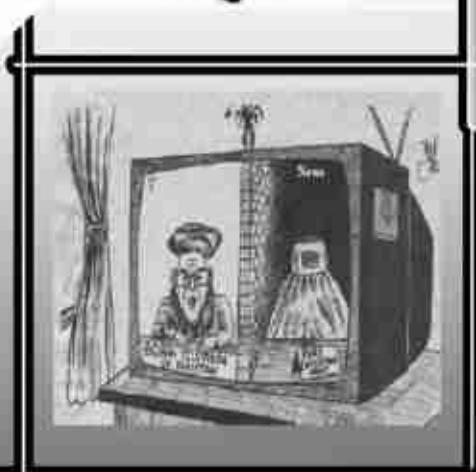
حقوق زن فرداند از خواهند کنی است



?



ملت افغان رشادت آفریدند



تمامی بـ اظهارات (یئسیـ جمـهـوـرـ) صـاحـبـ پـیرـامـونـ
ذری در اینستـرتـ



ضـربـ المـثـلـ هـایـ جـهـانـ وـافـغـانـ (ـمـبـینـ)
دادـهـ کـاوـیـ یـاـ تـعـمـیـقـ نـگـاهـ بـهـ دـنـیـ

ای خداوند!

به علمای ها مسؤولیت و به عوام ها علم و به دینداران
ها دین و به مؤمنان ها روشنایی

و به روشنفکران ها ایمان و به متعصبین ها
فهم و به فهمیدگان ها تعصب و به زنان ها حج ب و
عفت و به مردان ها شرف و به پیران ها آکاهی و به
جوادان ها اصالت و به اساتید و دانشجویان ها عقیده
و به خفتگان ها بیداری و به بیداران ها اراده و به
نشستگان ها قیام و به خاموشان ها فریاد و به
نویسندهای کان ها تعهد و به هنرمندان ها درد و به
شاعران ها شعور و به محققان ها هدف و به مبلغان
ها حقیقت و به حسودان ها شکاف و به خودبینان
ها انصاف و به فحاشان ها ادب و به فرقه‌های ها
وحدت و به مردم ها خودآکاهی و به همه‌ی هلت ها.
و همت تضمیم و استعداد فداکاری و شایستگی نجات

و عزت ببخش!

محمد تقی‌علی شریعتی

فصلنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی

سال دوم، شماره چهارم و پنجم

در این شماره می خوانید

۱	آغازین
۲	غیرت افغانی
۳	
۴	امام خمینی و بیداری افغانی حفرق زن فراتر از خوانندگی است.
۵	ستون آزاد ۱۰
۶	کچله سخن ۱۴
۷	چای خانه (یاد آن یار سفر کرده بخیر) ۱۵
۸	تمامی بر سخن کرزی پیرامون جاسوسان ۱۷
۹	تبلور اندیشه ۱۸
۱۰	هدیه گلیک ۱۹
۱۱	شعر ۲۱
۱۲	حاکم سلیه (دامستان کوتاه) ۲۲
۱۳	گذری در اینترنت ۲۳
۱۴	داده گلوی (تعمیق نگاه به ندیه) ۲۴
۱۵	یک چله من تا بیله لیت صفر ۲۸
۱۶	ضرب العلی های جهان و افغان زمین ۲۹
۱۷	فاظمه زهرا ملتقای سنت و مدرنیسم ۳۰
۱۸	ازدواج یعنی همین! ۳۲
۱۹	گزارش ۳۳
۲۰	عالم افغانی ۳۴



صاحب امتیاز: انجمن فرہنگی تبلور اندیشه

مدیر مسئول: سید سلیمان حسینی

[Click manager@paisimail.com](mailto:manager@paisimail.com)

ssulaimanhossainy@gmail.com

سوندوچی موسوی

Sayednaghieosavi@yahoo.com

دستگذشت

ام البنين ميرزا، رقيه فربانی، محمد تقى هوسى، ظفر على علیزاده

گرافیک و صفحه آرایی: سید سلیمان حسینی

۴۰۲

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

اسدالله حضری، وزارت اعلیٰ تعلیم، عطاویں بیکار یامیر

Web Site: www.Tabalwor.8k.com

E-mail: Tabalwor@yahoo.com

آدرس دفتر مرکزی

(احمد) حاميمونين ٣٠٠ بلاك ٢٦٠ تلفن:

٤٥٩٦٨٧٢ حسنی

آنکه این کلام



واقعاً بوزش مارا به خاطر تأخیری (نه چندان زیاد) که شامل حال ماضد پذیرا باشد. علایمی بسیار زیادی برای توجیه وجود دارد. گرفتاریهای درسی مدبرستول، جلسات پرزنت سردبیر برای مخ تربیت کردن بروججهای گلشیری سفرهای داخلی (افغانستان-مسئول چایخانه) و خارج شهری (امورات تخلصی -پرسیه) هست تحریریه وحدت نقطعه ... حال آمدۀای تا دوباره وقت شما عزیزان را نصدی نموده و سباده اعصابتان باشیم ولیکن امیدواریم در صورت توکل‌تان مارا باری فرموده و در صورت یابیدن هرگونه ایجاد و کاستی (با ذره بین) موجود در نشریه (اعجالا) ما را در جریان قرارداده تا سوی (بعد از یک و با دوفصل) به ان رسیدگی نموده تا در راستای هرجچه پریارتر نمودن محتویات نشریه قدم‌های محکمتری بوداریم.

البته از اینکه در این شماره لحن ما کمی تا قسمتی اجدی است ما را مورد عنایت قرارداده و با دیده اغراض گذشت فرمایید. زیرا خواستیم در یک شماره عقدنه تحریر به لفظ متدهای مثبت را از ظلمان بدر کنیم زیرا فرهنگ تعلیمی باکلاسان بدین سان خوشت درنظر علوم مبنی‌بازند ولی از حق که نگذیریم همه اگر ندانیم. ولیکن قادر بدرک این هستیم که ضمیری نا خود آگاه انسان را به نفس داشتن هرچه ملموس‌تر در اجتماع تشویق می‌کند و آن زمانی بروز میکند که انسان جامعت اگاهتر و محبوب‌تر از قشر دیگر جامعه در گردارهای رفتارهای اجتماعی خود در هر وظیفه‌ای که دارد عمل کند، جهت اینکه تعیین این رفتار در جامعه سوگرازی اقتدار مختلف را به سوی جامعه‌ای متعالی بهمراه داشته باشد. انسان همیشه باید واقعیت‌ها را در نظر داشته باشد زیرا هر هنجاری در جامعه ممکن است برای عده‌ای قلیل در همان جامعه ناهنجار محسوب گردد و تعیین دادن این هنجار کنش مطلوب خاص خود را جهت تطبیق همه جانبه آن هنجار در سطح جامعه می‌خواهد.

پس در هر جامعه ای برای عمومیت یافتن هر هنجاری باید از اصلی ترین بایه تشکیلاتی آن جامعه که همانا آموزش و پژوهش و مذهب است شروع نظریم زیرا ما می‌توانیم تمام القاءات فکری ای که تعالی فرنگی، علمی و مذهبی جامعه را بهمراه داشته باشد برای جامعه تین توانیم. بخاطر اینکه تربیت مذهبی مهمترین عامل چهت ساخت بینایی و تخریب این جامعه معرفی شده است. اگر احیاناً بخواهیم در جامعه ای برای تعالی سطح فرنگ جامعه سرمایه‌گذاری کنیم باید ابتدا به پرسی این پیده‌جتماعی بپردازیم و کلیه خصوصیات و کاستیها را شناخته و در رفع این کاستیها بپردازیم تا به آنچه می‌خواهیم برسیم پس در جامعه ای هاند افغانستان که مدت ۲۲ سال در حال جنگ و خوتیری بوده و اکنون با ثبات این‌عنی موقعی رویرو شده است ما می‌توانیم در سدد احیای یک توگرایی فکری، مذهبی و اجتماعی بپردازیم و این امر یعنی زنده ماندن و بقای حیات جامعه بسوی تعالی فرنگی به یک سرمایه‌گذاری مناسب و برنامه‌ریزیهای همه جانبه و کامل را می‌طلبید تا از احتمال جلو گیری شود. بدین چهت ما با تکیه بر تواثی‌بایمان من خواهیم! کام‌های کوچک اما محکم و اهداف متعالی اما قابل پیاده ساختن در این راه گام بزداییم و این تحقق نمی‌بزد مگر در داشتن ایمان زیرا شخصیت انسان فقط با داشتن ایمان کمال می‌باید و بدون آن هر انسانی غرق در خود خواهی که هیچ گاه از لای منانع خودی خویش بیرون نمی‌اید می‌گردد و زود می‌باید که تکلیف خویش را از زندگی در مسائل اخلاقی و اجتماعی به فراموشی می‌سیار و در برایز بروخورد با آنها ناجا باشد یک نوع عکس العمل هر چند ناکارآ نشان بدهد انسان اگر مکتب و آیین تکلیفس را درون نکرده باشد همواره مرد به سر می‌برد. گاهی به این سو و گاهی به سوی دیگر کشیده می‌شود موجودی می‌گردد تاهمه‌گ، ازی در اصل ضرورت بیوستن به یک مکتب وابده داشتن ایمان تردیدی نیست و آنچه موردنظریه حرمت نهضت حیاتمند است که باید مورد توجه واقع شود اینست که تنسها ایمان مذهبی و باورهای آن قادر است انسان را به صورت یک مؤمن واقعی در آورد که هم خود خواهی و خود پسندی را تحت شاع ایمان و عقیده و مسلک قرار دهد و هم نوعی تعبید و تسليم را در خود ایجاد کند پطوری که انسان در کوچکترین مسئله ای که مکتب عرضه می‌دارد به خود تردید راه ندهد و هم اثرا به صورت یک شئی عزیز و محبوب و گرانها درآورد در حدی که زندگی بدون آن برآیش هیچ و بوج و بی معنی باشد و بانوی غیرت و تعصب از آن حمایت کند ...

به امید رسیدن به شنن

پاره دیگر ملت افغانستان رایت شهادت الفراشند

جهان عرب در کل وسر دامداران نو محافظه کارکنی سفید و جهودان لشغالگر با اسلام و قرآن ناشنی دیرته دارند و هرگاهی ان را به انواع مختلف بروز و ظهور من دهنده بای قرآن با حذف آیات مربوط به یهود از طرف اشغالگران قدس پیروزه و پیروزه آیات سیطانی با هدایت آکادمیک امریکا و حفایت مالی یهود دو نمونه پاز آن در قرن به احتلال ارتباطات و عصر گفت گوی تحقیق و حرمت نهادن به ادبیان و فرهنگ هاست.

در پیروزه و پیروزه آیات سیطانی سلمان رشدی اولین فریاد بیداری و اکاهی و همیستگی از گلوی ملت غیربر و شریف پاکستان ندا در داده شد و رستاخیز بیداری و همیستگی جهانی را در بیان و پیر بیدار دل احیاگر اسلام ناب محمدی در قرن جهان امام خمینی با فتوی متهدانه و غیرمعتمد چشم فتنه را تکریز کرد و جهانیان شاهد بودند و هستند که رشدی ملعون نه تنها به شهرت ادبی دست نیافت بلکه مثل موش از سرخی به سرخی من خود و کاهی دیگر با لیاس و گرم زنانه و دریانه خلقت اقتباسی می شوند و امروز رشدی زندگی موش گونه خود را در خلقت مطلق سبیری می کند و چند بار دست به خود گشته زد که حتی مرگ هم از او رو گردان است.

امریکا این بار مست از شراب تجاوز به کشور های اسلامی و روسی کار آوردن دولت های مزدور در افغانستان و افغانستان و کشور های شوروی سابق پیروزه جدیدی را روی دست گرفته است که از این پیروزه و پیروزه دو هدف است از یزدگیر را دنبال می کند:

اولین هدف روانشناسی جهان اسلام می باشد برای کشف عکس العمل جهان اسلام در رابطه با منهدم کردن بیت المقدس توسط صهیونیست ها صهیونیست های بیش از ده سال است که برای تخریب بیت المقدس تلاش می کنند لذا به بهانه بنای معبد سلیمان نبی خسارتی در زیر زمینی بیت المقدس را آغاز کرده و اکنون به مرحله پایانی خود نزدیک می شود و حتی کوشال سرخ مسوی را برای ذبح مراسم بنای معبد موهوم سلیمانی آماده کرده اند و خوندگان عزیزان را در سات های انتربیتی صهیونیست ها می توان دید که برای جلب کمک مالی به تماشی گزارشته اند.

خاخام های افراطی صهیون یهود مدعی هستند که وقتی حضرت موسی وارد اورشالم شد تمام معابد را ویران کرد و گوساله سرخ مسوی را ذبح کرده سوزاند و با خاکستر ای

اسدالله جعفری

با انتشار خبر تو هین و بی حرمتی نظامیان امریکایی در زندان نظامی و سلطانی گوانانتانو، وجایگاه توهین امیز به مقدسات اسلام در روز نامه اسرائیل چهوبنیست و اشتبکن تایمز ملت غیرمعتمد و شهادت طلب افغانستان، این فرزندان پاپرهنده محمد اوصیاً و علی اعیان حیدر کربار، در خیابان های کشور سازیر شلتد و نماد سلطان آدمک بیان، پرچم آغشته به خون مظلومین جهان نداد وحدت مترکان مکه و ملاقان مدینه و مسیحان نجران و یهودیان خبر رایه اتش غیرت درسیده دم تهد و ظهر ایمان و هفته شهادت به مشتی از خاک بدل کرند و به جهانیان ثابت شد.

که هنوز اتش مقدس شهادت در جان فرزندان افغان زمین چون چهلچراغ عرض خدا شعله و راست و ندای اسلامی قاتلوا هم حتی لا تکون فتنه را از بندای پامیر ایمان و بابای رسالت به گوش زمان و زمانیان در می دهند

AGENCE FRANCE PRESSE — AFP



نظامیان امریکا مستقر در گوانانتانو قرآن را ورق ورق کرده داخل مستراح ریختند و همچنین روزنامه وابسته به بنیاد گرانیان نو محافظه کار امریکا و صهیونیست های یهود روزنامه و اشتبکن تایمز کاریکاتوری را با هدف مستهجن تشنان دادن مقدسات اسلام و معتقدات امت به خواب رفته جهان اسلام پاپ کرده که خبر آن جهان اسلام را داده اند و فرزندان محمد و علی شیر خدا در سیزدهین مردان امریکان افغانستان اولین کسانی بودند که رایت شهادت را بر شانه های ستوار خویش بر افراشتند و خشم مقدس و خدای شان را با نهادی الله اکبر و مرگ بر امریکا و کزایی به ساحت اقدس الاه عرضه داشتند که پاکمال تأسیف عده ایان عزیزان بدلست فرزندان خود ملت و به فرمان نظامیان امریکایی به شهادت رسیدند شهادت آن کبوتران خونین بال حربیم بسازیر ملت بیداریزیک و غریب باد.

دانسته باشد این مطلب را از مامور خود خامد گرزاوی بارها خواسته که این مطلب را قانون اعمال سازد واقعی گرزاوی هم هفته گذشته عده معلوم الحال تازه از دامان غرب برگشته تحت عنوان سران احتراب و قبایل و تعاوندگان لوی جرکه گرد هم اوردوازا نان نظر خواهی گرد مایتی بی بسی توشه بود که فقط یک نفر مخالف یارگاه دادن به امریکا بود وقیه همه موافق امریکا خود می دانست که آن عده‌ی که دران مجلس کنای گرد آمده بودند نماینده‌ی کانگره بودند و نیستند بنا بر این این پیروزه را در گواتنامو به اجرای گذشت ناکنند که ملت افغانستان اخسته از تاجران مردی و ستم و تجاوز مجاهدین و طالبان تروریست و جنگ سالار دیروز مشاوران امنی امروز قصر گلخانه شاهان فاسد دیروز و سلام خانه تکنونکرات های صدر امروز اهموز هم به هوا دموکراسی موهوم امریکایی نفس می کشند و هر چنایت که در هر آین ملت بنام مبارزه با القاعده و طالبان انجام دهد مردم آن را به حساب هموار سازی برای استقرار دموکراسی می خواهند اما غالباً از این که ملت افغانستان نیک می دانند که امریکا در افغانستان بسلیمان چه هست و دموکراسی امریکایی یعنی چه؟ افرین بر ملت بزرگ و شهید داده افغانستان سلام خدا بر شهیدان راه قرآن و کرامت والای الاهی یاسداران عبور ملی و اسلامی ملت افغانستان با این اقدام خدابستگی خود دشمنان خدا و قرآن و ملت و ناموس را مایوس کردند و دل امت اسلام را شاد و به چهاریان و مخصوصاً به الشفالگران ثابت کردند که افغانستان و افغان هرگز لسغال و اشغالگر را برای ابد در خانه اش نصی بپیرند خاک افغانستان را خون سرخ فرزندان محمد و علی لاله گون شده است مبارزه روزی را که این خاک معطر

به خون شهیدان ایندرا (احمد) اخیر و حسین جولانگاه خوکان و شغالان باشد همانگونه که قرآن پاک است (لا یمسه الا للملهرون) خاک افغانستان این مدینه النبی اسیا نیز مثل قرآن پاک است مبارزه که به پای خوکان الوده گردد.

بسیار جای تأسیف است که فرزندان افغان به خوش خدمتی الشفالگران بروی پدران و مادران و برادران خود اشش

معبد جدید ساخت و آن معبد اکنون در زیر زمین بیت المقدس فعلی قراردارد برای همین خواری را تسرع و مراجعت ساخت آن معبد موهوم را اخبار کردند و اکنون به مراجعت بایانی خود تردیک شده و اگر خوانندگان غریب به سایت معبد سلیمانی تبی که افرادیون از یهود چهودان را برای کمک مالی معبد اداره می کنند سر بر زند داشته در حال ساخت معبد و گویله سرخ می را در کسار آن می



یهو دیان کاخ سخید یا پیروزه اخیر در گواتنامو و روز نامه واشنگتن تامیز جهان اسلام را

روانشناسی می کنند تا بدانند که عکس العمل آنان در برابر مقدسات واژگویی دینی شان و به طبع آن بیت المقدس چکوته خواهند بود.

خشیخته اند در این پیروزه شیطانی هم بحمد الله با حواب ندان شکن از طرف جهان اسلام رو برو تندند چرا که با انتشار خبر و تقدیمات مردم قهرمان افغانستان جهان اسلام آن سران مژدور و خود فروخته جهان اسلام از پاکستان گرفته تا مالزی و قلب کفر واشنگتن ولدن از شهادت فرزندان محمد و علی در افغانستان تجلیل و اقدام شیطانی امریکا را محکوم

کردند و مخصوصاً علمای و مراجع دینی در حوزه علمیه فرم و دانشگاه الازه رهبری خود را با ملت شهادت طلب افغانستان اعلام کردند کثرا الله امتعالهم. دویین هدف روانشناسی مردم افغانستان است امریکا بنا بر آن گذشتند که افغانستان را برای همیشه جولانگاه خوبیش سازد و در این سرزمین که تا هنوز هیچ بیگانه اشغالگر نتوانسته بر آن سلطه یابند، باعث گاه نظامی دائمی

و فرزندان محمد و علی تسریخ خدای در سرزمین مردان مقدس افغانستان اولین کسانی بودند که رایت شهادت را برگانه های ستوار خوبیش سر افرادشند و خشم مقدس وحدای شان را با عنای الله اکبر و مرگ یهود امریکا و گرزاوی به ساحت اقدس الاه عرضه داشتند که با کمال تأسیف عده ازان عزیزان بیست فرزندان خود ملت و به فرمان نظامیان امریکایی به شهادت رسیدند شهادت آن کبوتران خوبین بال حربیم باریز ملت بیسلازبریک و تعزیت باد.

اصحاب قلم و فرهنگ نسل امروز ها از سر گشته اند احتج
قلم و فرهنگ دوران جهاد درس آموزند و بدور از حب
و بعض های مختلفی ولسانی قلم زنند و بدون اعتنایه از
باب قدرت و سیاست خایق را عربان با مردم در میان
نهن



و اگرنه همان می شود که اسد، پاران دیروز ما به قصد
تغیر بد استان سران احزاب قلم را طبق میل و خواهش
نقشیات پلیس آنان می رساند و دیدیم که چه شد؟ چه بلای
نازد شده است مانند و نه از سران احزاب خیری حاصل
شد و نه پاران درس نیاموزیم و امروز همان راه را برویم که
کنیم و ازان درس نیاموزیم و امروز همان راه را برویم که
پاران دیروز مان رفته و شد آنچه که تباید می شد و سنت
تاریخ تخلف بر دار نیست . راست چوانمردی پیدا نمی
شود که خایق را بگویند : امریکا روسیه ای گلی مارا
بیهانه پیدا کرد و کشتن القاعده بیماران می کند و ده
ها عزیزان را به شهادت می رساند اما احمد متوكل و ملا
حکای سار پارسیان القاعده افغانستان در قصر سلام خانه در
کنار امریکاییان جای میخورد نظمیان امریکایی به
پیشان و دختران بی شر مانه تجاوز می کنند کسی دم نمی
زند . مستشاران نظامی اسرائیل در افغانستان راست راست
راه می روند هیچ کسی چیزی نمی تویستند . اقتصاد کشور
را شرکت های یهودی می قایپند قریب از جای بلند
نمی شود رئیس دولت یک شهر و نه امریکایی و عضو سای
است ولی سران جهادی صحیح و شام پیشانی بر کفشه او
متبرک می کنند . هر دو رسانه های دنیا اعلام می شود فلان
خارجی وزارت خانه هادر ماه پنجا هزار دلار حقوق می
گیرند . هر روز در رسانه های خارجی ترویج فحشا
و منکرات می کنند . ساما صدایی از جای بلند نمی گردد
و هیچ قلمی قطعه لشکی هدیه این ملت نمی کند پنهان
بخدا از بلای که در راه است و ما خواب خواب خواب

گشودند آنهم پدر و مادران که به حکم وظیفه دینی وغیرت
ملی اقدام به ایاز خشم مقدس و خدایشان گردند برادران
نظمی و پایی ما بدانند و آنکه باشند و بدانند این ما
هستیم که باهم برادریم و فردا در افغانستان در کنار هم
زندگی می کنیم و اشغالگران بزرودی گورشان را لازم این
مدينه اینی کم می مکنند و این سران خالقین هم مثل
دیگر خالقان به سرای اعمال شان می رسند اثاث نباید
که چین داغ ننگ بر پیشانی تظامی ما حک شده است
و ظالمیان عزیز ما از زندانیان در خود افغانستان درس
آموزند که اشغالگران چگونه آنان را شکجه می کنند و از
لکتجه آن عزیزان لذت می برند

از مسلط مطبوعاتی فرهنگی و روزنامه نگاران
عزیز ما افتخار می کرد ملت بیاخسته را در برایر کفر
و مخالفان وطنی همراهی می کردند و عنوان یک وظیفه
دینی و رسالت ملی در کنار ملت می استادند و اشک قلم را
با خون شهیدان در هم می آمیختند و واژه مقدس پاسلی
از ملت و دین را بر حفظ روزگار به یادگار می نوشتند
مگرنه این که قلم شخص است آن والقلم وما
یسطرون (قلم نباید به قلرورات مارجالس و انجامس الود
و در خدمت ارباب سیاسگ قرارداد و به قصد تقرب به در
گاه آنان قلم زد . اصحاب قلم و اندیشه از برادران مجاهد ط
عبرت گیرند . که چه بودند وجه کردند وجه شنند گمن هر
وقت به عکس جناب مار شال فهیم تکاه می کنم واقعاً
از باری روز گلار خنده ام می گیرد او برای خوش خدمتی
به اشغالگران و تکیه زدن بر چوکی چه ها که نکرد
و کلاهی که سمبل جهاد و عزت بود را با آوجختن حلب
در گردن و در گنار مجاهد بزرگ چون مسعود را با استادن
در گنار اشغالگران عوض گرد اما چه گیرش امده کوان
همه افتخارات گلسته چه شد؟ ولی در مقابل محمد
حقیق و دکتور رمضان پسر دوست افتخار امت و عزت ملت
و اقتدار و صلاحیت کشور و آبروی بشریت با کناره گیری از
قدرت بتفع ملت و اشکار نمودن حق و مظلومیت ملت و دین
و رسوا ساختن دفعان خدمت به ملت و داده های مهربانتر
از مادربرای همیشه در قلب ملت خواهند ماند و تاریزی که
حق و حق خواهی وعدالت وعدالت دوستی شرف
و شرفگرایی در جهان باشد نام ایشان زینت دفتر روزگار
خواهند بود البته ناگفته بیدایست که حقیق و پیش دوست
مثل همه مایسراستند و مطلق تیستند و لاستیاها هم
دارند که اثبات لئی نفی ماعداً نمی کنند

اهم خصوصیات این دینی در جهان

سخنرانی: مسیحیان، نویسنده: میرزا علی و میرزا علی شفیعی، مترجم: میرزا علی شفیعی، مطبوعات: میرزا علی شفیعی

چه کار لوتو را نمی توان انقلاب تامید بلکه اصلاح تکریر دینی نامیمن به صواب نزدیک تر است اما روای هم وقه لوتو و گاندی و دادا الاما موادر ترازا و ماندلا و امام خمینی از آمردان وزنانی هستند که انقلاب و پهلوت خود را با تکیه بر عقیده دینی بنا نهادند و هیچگدام به اندازه امام خمینی را موقوفیت در رسیدن به هدف بهره مند نشدند. امام خمینی انقلاب اسلامی را در ظرف زمان گردد که این که قبیل ای ایشان این انقلاب اسری زمان گردید که این که قبیل ای ایشان امثال سید جمال الدین ها نهضت باز گشت به قرآن را آغاز کردند ولی نتوانستند نهضت را بگوته ای طراحی کنند که در پست زمان تحویل نکند. البته سید جمال راه را برای بیروزی نهضت امام خمینی هموار ساخت اگر نهضت سید جمال بیود نهضت امام نیز اسری زمان می شد و این بحث جدرا می طلبد که در جایش باید بحث شود. همانطور که در بالا عرض شد امام خمینی تنها رهبر نهضتی بود که گرد زمان بسیار دامان آن ننشست، در آینده نیز تحواهد نشست. اصل این بحث و اثبات آن بصورت بحث های رایج در نظام های فلسفه سیاست در غرب زبان و نظر دیگر می طلبد که فلا بنای آن نتاریم وارد چنین بحثی شویم.

۱- این دینی اسلام را از زبان انبیاء امتحان

محمد اصل ای شناسنیم و بعد جزو و مدنی تحقیتش را در گستره اندیشه ها به نظره می نشینیم. امام از زبان مردان آینه و ای عالمان ریاضی عزیز بانان حريم حرمت انسان خاک نیشنان آستان عصمت خدا وند گزاران عقل و نقل زبان آشنا بیان برده و عرفان و فقر آن یعنی انبیاء ام احمد مخدرا می توان مردان آینه و اب نامید چرا که آنان آینه داران جمال بارند و حالان خور شد و دهقان حیات ایه تعییر علامه جعفری آمیز مقول و به تعییر خدای حیات در حیات نامه انسان قرآن حیات طبیه پیش چه پیشتر که در بیان مرد دوران و امام از ادگان را از زبان آنان بشنویم که دریا را فقط در بیاد ایان فریادلان می شناسند و بس حضرت آیت الله العظمی ارجکی که دوران جوانی و میان سالی را در کل

تاریخ زیست جمعی انسان انقلاب ها و تحولات عظیم علمی و اجتماعی را در سینه خود دارد. انقلاب ها و تحولات سیاسی و فرهنگی مولود و تابع انتسابی طرف زمان خویش اند. این انقلاب ها و جنبش ها از جای و توسط افسردادی و گروهی آغاز می گردد و بستگی بعواملی درون ذاتی و بیرون ذاتی جزو و مدنی ایجاد می کند و بجهة سمت ساحل زندگی مادی و باعلاقانی جغرافیای انسانی دامن می گستراند. دایره این دامن گستری تابع آن خوبیه می وارد آمده بر گرده در یاک گاه خاموش و گاه حلقه ای است. این چیزی نیست جز اراده زنان و مردان انقلابی، اما همه زن و مردان انقلابی نمی توانند بر گرده زمان پای کویند و زمان را زیر بر گیرند و توسع مزاد را رکاب زند بولی بعضی از این مردان و زنان آیه دلایل و عوامل که فعل ایه

آن کار نداریم آفرازمانی می شوند نه تنها با زمان همگام می شوند که زمان در خدمت آنان قرار می گیرد این

مردان و زنان الهی هستند که جمعی از آن بغمبران دارای رسالت و کتاب می باشند و بعضی فقط رایت رسالت بدو شان آن رسالت داران دارای کتاب می باشند. امروزه ما در بیرون از زمان و قطعه از تاریخ فرزندان آدم زندگی می کنیم که دیگر از آن مردان و زنان دارای کتاب و رسالت خبری نیست که نیست. چرا که با آمدن محمد (صل) ارسال رسول و ازال کتب بایان یافت و شر هست و عقل جمعی او و قرآن لذا مردان و زنان انقلابی عصر ما به دو گروه تقسیم می گردند گروهی که عقل جمعی را در بر توی متون قدسی بکار می گیرند و گروهی که بر اساس عقل ایزارتی و خود بیناد نظم حیات خویش را تنظیم و عبار می کنند. صرف نظر از اینکه کدام گروه از اینان در زندگی اجتماعی و فرهنگی حد درصد به اصول عقلانی و متون و حیاتی خود شان متعهد بودند و هستند ما در عصر خود انقلاب های از هر دو نوع را تجربه کردیم و تا هنوز هیچ یک آزمون موفقیت آمیز بس تداهه اند انقلاب های فرانسه و روسیه و مالو در چین و کاسترو در کوبا را می توان از جمله انقلاب های بر اساس عقل خود بسیار تامید اگر



مبارک دسترسی ندارم آمد و گفت من تومین سر مایه دار
جهان هستم و شتیله ام که قدیمی ترین نسخه خطی زبور
و انجیل که در جهان فقط همین یک نسخه است را شمارد
اختیار دارید من حاضر تمام آبیه این جمله لو خوب توجه
شود اسر مایه ام را عندهم و شما آن نسخه را می بندید آقا
قبول نکرد او گفت من حاضر نیمی از سر مایه ام (دقیق شود)
داشتم دهم و شما آن نسخه را به من نشان دهید آقا فرموده له من
آن کار را نمی کنم شما من تو اینست مجاهی آن را بینند و از آن
یک کویی هم بشما می دهیم بر اینست آین معان ذبح اسماعیل
لیست کشی که برای بدنست اوردن یک کتاب چند صفحه ی
چه خون دل من خورد و چه ها که نمی کرد
و طلا در برایر چه سر مایه که قرار نگرفته
است عقل معاش اندیش و خود بنیاد می
گوید بدنه آقا و ایبول آن میلیون
میلیون کتابخانه باز و در گوشه
گوشه جهان مسجد بنا کن
و گرسنگان جهان را سیر
سازی... اما لو به فرادر از اینها
رسیده است لومی دانست که
آن نسخه یک کله حق در باره محمد و قرآن
دارد و اگر بدنست نا اهلان افتاد ممکن است آن کله حق را
محفوظ بودند و حق «این راه را دارم نمی فهم» فراتر از این
ماجراء هاست چرا که جان و جهان برای حفظ حق است نه حق
برای حفظ جان «البته در فرهنگ دهن پر کن پس ایست
مدرسیست این مطلب بر عکس است» ای ابراهیم کعبه علم
و فرهنگ در باره ابراهیم بست شکن فرموده است: «با سنتیز
و بیکاری می امان با دشمنان اسلام تعابی معادلات سیاسی انان
و از هم شکست و بر بزرگترین قدرت های استعماری جهان
پیروز گردید «همان» جامع شریعت و طریقت حضرت ایت الله
یهاء الدینی که در تمام عرضی یک «مارایا با اهلان سخنی
تیست که تیست» قتل مکروه از لوسر نزد، لو ایام شب زند
داران تفکر یوشان عصر زور و زور و یوش چشیں روایت
دارد «سلام وصلوات بر امام مسلمین که عقاویت ایشان در راه
هدف و در مقابل ظلم و ستم و فرآخوانی است اسلام به خدا
رسول جبهه کفر و شرک رایه و اکتشن ولاست و بدنی سان
استکبار با تمام قدرت و توان علیه آن بزرگوار به توطنی بر
خاست «همان» نکایتو گر «الدینه ها» گرده
کشای «متنی» سالک «نهج البلاغه» مین و مفسر «حیات
معقول» حکایت گر «زندگی ایده ال» «قابل و باسط» فلسفه
و هدف زندگی «و کائنس قاره های ناشناخته روح علامه محمد
نقی جضری از معلم عرفان متبت در قلمرو برهان و عرفان
وقرآن گوشه ابروی نشان داده است: «در اوین روز حضور
اینجانب در دروس اخلاق و عرفان ایشان، قیافه ی بسیار
روحانی با نگاههای جالب دیدم که به مطالی که در درس ابراز
من نمودند بایلت توافق بالتجه در درون من گذشت را از اینه من

امام یه بار و بر نشاند وحدای روح ببور امام پرده های
ظریف گوش فقهی زمان و شیخ المشایخ دوران را نوازش
می داد و گاه گوش خدا نوش روح خدا خدای عرشی
مردمی از تبار سلطان را جر عده جر عده می تو شید و عاشقانه
ترین عیا خانه طلبگی خلق می شد او فرموده است: «سلام پر روح
بلند و ملکوتی آن سلا له پاک رسول الله و خلف شایسته ائمه
که عمر گرانمایه خویش را در احیای جامعه اسلامی و احیای
مجد و عظمت شریعت اسلامی سپری نمود این توی از خور شید
جویزه نامه روز نامه رسالت ۷۸۳/۱۲» حضرت ایت الله العظمی
گلپایگانی که در فقاهت و دیانت مصدق کوثر بود امام را نیک
می شاخت لذا حضرت علامه محقق خراسانی ازه امس
قیموده: «حضرت ایت الله العظمی گلپایگانی بزرخ بود میان
امام و حوزه این کلام بلند آن فیلسوف صدای
و عارف علوی مقتبص از برهان
و عرفان و قرآن است در
فلسفه سلامی مبنی بر عقل
و نقل بزرخ حد فاصل دنیا
و آخرت است بزرخ دو جهت
دارد از یک جهت روی به دنیا در
لذا دارای کمیت هست و روزی دیگر
به جهان اخرت و به این اعتبار مجدد از
ماده و مدت می باشد بنابر این کسی که
جهان بزرخ را درک کند لو جامع کونین است ایت الله
العظمی گلپایگانی بزرخ بود میان امام و حوزه به این معنا که
جوزه آن زمان نمی توانست اندیشه های حکومتی امام را
همض کند و ایت الله گلپایگانی با جامعیت خود پیوند داشته
جوزه و ایام بود آن جامع علوم در باره سید الفتها امام فرموده
است: «سلام وصلوات خدا بر روح بزرگ مردمی که با ماجاهدات
بزرگ و فداکاری هلورهبری های قاطع خود اسلام را در عالم
زندگ کرد وندای تکبیر و تو حید را به گوش جهانیان رسالت و مجد
و عظمت سلطانان را به آنان باز گردانید و فریاد کوینده اش دل
های مستکبران ایو قدرت را به ارزه در اورد «امان» حضرت
ایت الله العظمی مرعشی نجیی نکوار عرصه های پر پیچ
و خم روایت و درایت و خالق کم مانند ترین مجموعه نسخ خطی
متحصر بفرد تاریخ عقلانیت اولاد ادم، او که هفتاد سال روی
یک سجاده نماز شب اشب عاشقان را عاشقان داند که
چیست؟ خواند او که ثلت از هر سال عمر خود را روزه استخاری
گرفت تا با یکی از میان این پاسدار عقل و نقل باشد او که خدایش
ابراهیم و از امودش لو ابراهیم وار کارت بر کلوب اسلامیان
نهاد: «واآخر سال ۸۲ بیود که این کمترین بند خدا را توفیق
حاصل شد نا فقط بعدت ۱۵ دقیقه از مخزن خطی کتابخانه ان
عبد صالح دیدن کنم هستیل مخزن برای مهمانان آطلاب
متختار مرکز علوم جهانی حوزه مشهد آنوزیخانات لازم را می داد
از جمله گفت روزی از روز هاییک نفر مسیحی ایشان را نامبرد
که قعلا اسم ایشان بادم نیست و به بادداشت های آن سفر

حکمت و عزت وفاخت {همو که شهید قلم شربعتی در باره اش گفته بود زبان و قلم صدر به ذوالقار علی می ماند} اسید باقر صدر فرموده اند: در میان بیرونی‌ها اکرم طی چهار ده قرن که از تاریخ اسلام گذشته است گمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که تاثیر جامعی چون امام خمینی از خود بر جای گذاشته باشد... در خمینی ذوب شوید همانگونه که او در اسلام ذوب شده است «همان ویژه نامه رسالت»

شهیدی که در قرن ما به شهادت شرف داد
یعنی شهید آیت الله اشرفی کام وزبان را با نام امام اینگونه متبرک نموده: «ذیگران را نعم شود با امام مقایسه کرد در زمان غیبت کسی را مانند امام امت لذیده ایم، «همان» شهید مکتب صادق صدوکی که صداقت در عقیده و عمل را با شهادت امضاء کرد فرموده اند: هر چه داریم از این مرد شریف است و او است که به ما حیات با عظمت در سایه عنویت داد. «همان»

حمزه الشهدایی بعثت امام خمینی عالم عامل به قرآن چریک پیر عاشق آیت الله سید اسدالله مدنی دلدادگی توأم با آکاهی و آزادگی خود را فوق فهم ما خاک نشینان بیان نموده است: دینم یعنی می گوید باید امروز خود را رازیابی امام خمینی بگذرانی تایک قدم بالا بیابد. «همان»

شهید ادینه وبلل حقیقت محمدیه آیت الله دستیغ امام زمان را در باغ نگاه امام خمینی نظاره می کرده: اطاعت او اطاعت از امام زمان است مخالفت با او مخالفت بالامام زمان است. «همان»

شهید حکمت مطهر وجدان جمعی شیعه و باطل گشته سحر ساحران مدرن تجدد القادة و خارج ششم معیدان خانقای تجویر غلامه مرتضی مطهری اشک های شبانه علی را روی گلبرگ گونه های امام دیده بود: مردی که روز ها می نشست و این اعلا میه های آتشین را می داد سحر ها اقلای یک ساعت با خدای خود ش راز و نیاز می کرد و آجنه اشک ها می ریخت که باورش مشکل است این مرد درست نموده علی بود. «بیرامون انقلاب اسلامی- شهید مطهری ص ۶۲»

آنچه تا اینجا خو اندیم مبانی نهضت امام در بیداری امت اسلام و ایجاد رستاخیز فرهنگی و محتوى در جهان بود یعنی انسانی می تواند رایت دار نهضت بیداری در جهان باشد که ابتدا خودش دارای شخصیت معقول باشد و این

نمود اثیورها آیات آخر سوره حشر را تدریس می کرد با کمال وضوح به خاطر من اورم وقتی این ایله مبارکه «هوالله العالق البار» المصور له الا سماء الحستی پسح له ما فی السملوات والارض وهو العزیز الحکیم^{۱۰} انتفسیر می فرمودند جذایت مطالب به حد عالی رسیده بود و طلاق با یک انقلاب روحی به ایجاد عرفانی ایشان گوش می دادند هیجان روحی و عمق مطالی که ابراز می شد بخوبی آیات می کرد که مطالب ابراز شده فوق معلو مات حرفة ای ورسی است که متناسبالله عده می را به خود مشغول می نما يد^{۱۱} (صحیفه دل ص ۳۹) اباب موسسه تنظیم و نشر اثار امام خمینی^{۱۲} اسیدالحکما احمد ابدال عصر نامعراei از تعلق مأموری الله شارح مأثورات عصمت و طهارت «ع» زبان آشنا وزبان آفرین مسافرات مسافران قاب قوسین شب های دلدادگی و معراج ذلبردگی و فصل رقص سوی خدا حکیم حکمت اسلامی فقیره متوجه عندالمهدی المتظر المستظر اصولی صاحب اصول مفسر قواعد آفرین شمس الشموس سپهر تحقیق و تدقیق وسائل رسته از مقامات صحو بعدالمحو و صدر نشین صدر المتفهی فاعبداللقاء یعنی جلال دیانت و جمال حکمت امام جلال الدین آشتیانی از امام قانیان فی الله و باقی بساله روح خداسی گوید: یکی از آثار فقیس در مبحث بیوت و ولایت به طریقه محققان از عرفاء و اکمل از حکماء اسلامی رساله مصباح الهدایه الى الخلاقه والولايه اثر سید سادات و امادج العرف و الفقها قد ومه الحکما المتألهین استاد محقق در حکمت متألهه مرحوم مبور حضرت امام خمینی سقی الله تربیته می باشد... یکی از غال جاذبه قابل توجه در آن بزرگ زمانه علاوه بر تنظم و ترتیب خاص در درس و بحث جامیت او بود «مصباح الهدایه الى الخلاقه والولايه - امام خمینی»^{۱۳} مقدمه استاد جلال الدین آشتیانی ص ۱۱-۱۰ در حققت بدون مجامله باید گفت که آجنباب خاتم حکما و عرفادر عصر ما می باشد. «شرح بر مقدمه قیصری - سید جلال الدین آشتیانی ص ۳۲-۶۶۸»

امام از زبان کبوتران خودین جال

تا اینجا ابراهیم دوران را از زبان انبیای امت تاجیه و میرزا بالان ایمان و عقیده حکایت کردیم این حکایت ها به این شیوه می از روایت به منظور خاص است «اکنون وقتی ان است که امام لاله جامه گان را در کلام و سلام سینه سرخان عاشق به سلام و حسلوات نشینیم سیدالشهدای



هو بر متفکر تازه مسلمان سوئیس «همان ص ۴۹»
جهان همچنان تحت تاثیر انقلاب معنوی او قرار
دارند. «شکو عمر مفتی اعظم کرواسی» همان ص ۵۰
انقلاب امام بر خاسته از یک نیاز فطری و جمعی انسان ها
بود که عبارت است از کمال خواهی انسان در حیات
جمعی در چهلار چوب حکومت قانون قانونی که ریشه در
ما و رای طبیعت تحامت خواه انسان داشته باشد و چنین
انقلاب فراتر از مرز جغرافیای طبیعی، دینی و فرهنگی
دامن من گستراند؛ امام خمینی بیان گر همه موحدان در
عصر ما است، احیای دین و معنویت در روز گاری گه
سيطره مادیت و ایزار مادی و اندیشه های ضد معنوی جامه
بشری را در چنبره خود گرفته بود مدیون امام خمینی
است. «پوفسوریاوس اووسوس تازه مسلمان آلمانی» همان
ص ۷۲

بیتر دید انقلاب امام خمینی نه تنها تصویر تازه ای
از اسلام در اروپا با ارایه کرد بلکه حتی زندگی مذهبی غیر
مسلمانان را هم دگر گون ساخت به عبارت دیگر امرور
حتی در اروپا نیز مذهبی بودن از ایشان و معتنی ای تازه ای
یافته است این عبارت را رئیس جمهور سابق اتریش در
یک سخنرانی بیان کرد که: انقلاب اسلامی به تمامی
افراد مذهبی اعتبار و ایکائی به نفس تازه ای ارزانی
داشت. «محمد لنسل رئیس مرکز فرهنگی تجدید حیات در
اتریش» همان ص ۷۲ «امروزه جهان خواران می خواهد با
قدرت نظامی نظام نوین جهانی را در دهکده واحد جهانی
حاکم سازند ولی کسی که خود دارای هویت چهل تکه
است چگونه می تواند جهانیان را در یک دهکده واحد
گردآورد؟ آیا عقلاً چنین چیزی واقع شدنی و بذریغتی می
باشد؟

انقلاب اسلامی امام خمینی نه نظام نوین جهانی بلکه نظام
عالی انسانی را در قلمرو حیات معقول هدیه نه تحمیل
جهانیان می کند و این انقلاب از استقبال جهانی بهره مند
هست ان شاعله که در برتوی این انقلاب شاهد وحدت
عالی همه انسان ها باشیم



شخصیت معقول شخصیت معقول عقل خود پیشاد نباشد
بلکه عقل در پیشتر نقل و کسی که شخصیت او در
قلمرو عقل و نقل تکوین نیاید نمی تواند بر چمدان نهضت
اگاهی بخشنی به امت اسلامی وجهان انسانیت باشد.
از گزیده های که از زبان انبیای امت و شهداي عقیده
و کرامت انسانی نقل کردیم در می بایم که امام خمینی
دارای چنین شخصیت بود و این راغربی ها هم اعتراف
دارند به طور نمونه آقای هنر کسی مجر مشارو رئیس
جمهور امریکا {دهه ۷۰} که در باره انقلاب اسلامی
ایران پسیار مطالعه کرده و چندین کتاب هم در این باره
نوشته است از جمله آنان می باشد:

ایت الله خمینی غرب را با بحران جدی بر نامه
ریزی موافق کرد تصمیمات اولان جناب رعد آسا بود که
مجال هر نوع تفکر و بر نامه ریزی را از سیاستمداران
و نظریه بردازان سیاسی می گرفت هیچ کس نمی توانست
تصمیمات او را از بیش حدس بزند او با معيار های دیگر
ی غیر از معيار های شناخته شده در دنیا سخن می گفت
و عمل می کرد گویی از جای دیگر بهمام می گرفت
دشمنی آیت الله خمینی با غرب بر گرفته از تعالیم الهی او
بود او در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت. «عصر امام
خمینی سیر احمد رضا حاجی ص ۳۷» بوستان کتاب قم
ازی کسی که دوستی و دشمنیش روی هینا باشد در قید
و بند این که چه بشود و نشود که خوشش باید و تباید
نیست این جزی است که در قالب فلسفه سیاست ملتی
بر عقل اینزارین اکادمیک بریده از وحی قاعده بذیر نیست
لذا فیلسوفان سیاست از شناخت آن توان هستند
بروفسور محمد هدی خاور شناس مسلمان در اتریش
روی همین مطلب انگشت نهاده می گوید: انقلاب
اسلامی ایران در ذات خود هیچ شباهتی با انقلابات
دیگری که در قرن حاضر به وقوع بیونته تداشته است به
اعتراف عربستان غرب از شناخت آن عاجز مانده
است. «همان ص ۴۰»

اصو لا انقلاب مثل انقلاب امام اگر جه در آغاز منکی به
رہبری حضوری شخص رهبر می باشد اما این واسطگی
امثل دیگر انقلاب های ای سیاسی جهان ا همیشگی
نیست که اگر رهبر در گذشت روند تکامل و تأثیر افرینی ا
ن متوقف گردد: تصور بیان کار مكتب امام خمینی با
فوایشان یک تصور غلط است. «سیموفیتی روز نامه
نکار اینالیاچی» همان ص ۴۹
امام هر گیز نمرده است و هنوز زنده و قعال است. «احمد

حقوق زن فرا تر از خوانندگی است



رزیم کری و ایجاد فضای پر از اختناش بشمطر میرود؟ از ادی پندار و گفتار و کردبار به معنی این نیست که مردم شکم گرسنه و پا بر هنره و بیکار و بسی سریناه و بسی سرنوشت را با پخش چند آهنگ زنانه تحت نام حفظ حقوق مساوی اتباع - اعم از زن و مرد - کشور فربت.

من باور مندم که زنان پاک و معصوم کشور ما به امنیت، کار، تحصیل، سریناه، شفاخانه و اشتراک مستقیم در تعیین سرنوشت خوبیش بیشتر نیازمند هستند تا با شنیدن چند آهنگ زنانه از تلویزیون کشور میگذرد. تازه ادعا و استدلال غیر منطقی معین وزارت اطلاعات و کلتور روزیم کری همانگونه که بی بی سی نقل میکند چیزی جز مسخره کردن مردم بیش نیست. عبدالحمید عیارز گفته که جهت جلب شنوندگان بیشتر تلویزیون آهنگ های زنانه را از آن تلویزیون پختن میکند تا نشان دهد که حقوق زن و عد مساویانه احترام و عملی گردیده است. این نشان میدهد که زن به حق کمالی مصرفی و تبلیغاتی و تجارتی و سوگرمی و جذب مشتریان در

رزیم کری قلمداد میشود تا از طریق استفاده نامشروع از موجودیت زنان کشور آقای کری چند رای را برای انتخاب شدن به کرسی به میراث گرفته شده و غصب شده خوبیش به جیب بزند. جای شرم است برای این مدافعان دروغین مدلیت و ازادی و حقوق پسر که با ذهنیت های لبرال فاشیستی خوبیش کوشان هستند با سرنوشت و حقوق نیم بیکر جامعه ما مانند ایزار تولید و تبلیغ و ... برخورد کنند.

چرا کری در هر ولایت و ولسوالی افغانستان یک شفاخانه ولادی نسانی اعمار نمیکند تا روزانه دها زن معصوم و فقیر افغان در بستر زایش به علت نبوددوا و داکتر و شفاخانه جان های شرین خود را از دست ندهند و یا شاید باز هم به تشکیل کمیسیون های نوع احمدی و اشرف غنی احمد زی و امین فرهنگ خسروت

بعد از پایان کار لویه جرگه و تصویب قانون اساسی برخی حلقات اطراف کری که طی دو سال گذشته توائمه بود تدبیه هر ترتیب ممکنه به عمر خود دوام بخشد. باز با مفوی سیاسی دیگر به فکر اغواگری ملت افغان شده اند. در ح

الی ک

تود و پنج فیصد زیربنای اقتصادی کشور ما ویران می باشد. میلیون ها هموطن ما در عالم بیکاری و بسی سرنوشتی سر بربر میگردند. صد ها هزار زن بیوه و بسی سریناه در فقر کامل با مستفات زندگی دست و پیجه نرم میگردند. به علت عدم امنیت در اکثر مناطق جنوب و شرق و شمال کشور مردم قادر به عبور و مسورو در بین ولایات نبندند.

رزیم کری در اکثریت مناطق دور افتاده از مشروعیت قانونی بهره مند نیست. سفراچاق مواد مخدو زیربنای اقتصاد زراعتی کشور را گروگان گرفته است. رئوت و بایگیری توسط طرقداران و مخالفان رزیم در کشور روند کار های اداری و رسمی را کند ساخته میزود. نقشگزایی و سمتگزایی در دفاتر دولتی بر

ملالت افغانستان بداد میکند. رشد دوباره تفرقه های بین القومی روند صلح و وحدت ملی را تضعیف تر می نماید. حضور تروریستان در مناطق نام بخصوص جنوب و شرق کشور نماینگر بی تباتی رزیم کری می باشد. و قانون اساسی چیزی را میگویند و مهربین تبصره اهی خود را دارند و زمامداران در تحت سایه مواد ان عمل دیگری را انجام میدهند.

مثلا وزارت اطلاعات و کلتور بصورت اغواگرانه با نشر چند آهنگ زنانه در بین مذهبیون و به اصطلاح مدنی گرا ها مناقشات را بوجود آورده که در اینده تزدیک به کشمکش های خسروان خواهد انجامید.

سؤال در اینجا است که آیا نشر آهنگ های خوانندگان زن در تلویزیون افغانستان در شرایط خاد فعلی چیزی دیگر بجز یک فتنه بزرگ جهت پنهان کردن کم و کاست های

منهی چیز دیگر بودش نیست.
چرا بعضی از مقامات دولت کرزی بالام و نشان و مقام و
حیثیت زن افغان بازی میکنند؟ آیا آنها حاضر استند که
خانم های خودشان در تلویزیون حاضر شود و برنامه هایی
تحت عنوان "ما و خانواده" را بصورت هفتگه وار به تماش
بگذارند؟

این مدافعان دروغین حقوق زن که حاضر نیستند زنان
شان با خبرنگارها دیدن و مصاحبه کنند چرا با تمام زن
بازی میکنند؟ ما صحنه های آن را در تلویزیون اس بس
اس استرالیا دیدیم که از قول زن یک مقام درجه اول
دولت النقالی چگونه به خبرنگارها گفته شد که شوهرم
مرا از صحبت کردن با خبرنگارها منع کرده است؟

زنان مسلمان افغان هرگز فریب دارو دسته
قاچقی و مافیانی برخی مقامات دولت
کرزی را نمیخورند. اگر آنها حق زن
افغان را طلب میکنند آنها را به
ناموسشان قسم میدهم که همه
زنان و دختران و بچه های
زنان افغان را که طالبان
و اعراب تروریست
دزدیدند و با زور با آن زن
ها و دخترها یا ازدواج کردند و
یا آن ها را کنیز گرفتند و یا هم آنها را

در کشورهای پر از فسق و فساد عربی و
پاکستان فروختند دوباره به خانه ها و جایگاه
های شان برگردانند. در دوین بنگاه های خرید اطفال
دزدیده شده از هند و بنگلادیش و پاکستان و افغانستان
است. جلادان مسلحان تها اطفال مخصوص را در آن بنگاه ها
خرید و بست دفتر میکنند و بعد به اغوا و شهوت ران که
شب های جمعه تفریحگاه های تحت نام "ساقه خوری"
بریا میکنند فروخته میشوند و از این طریق از عفت آن
اطفال مخصوص سوی اسقاده جنسی میشود.

صدای سلم و بروین مرسل و... چه درد زنان و دختران
دزدیده شده افغان را مدوا میکند؟ هزاران زن افغان در
کمب ها و زندان های کشورهای همسایه و حتی در
داخل زندان های کشور که به گناه بیگناهی بسر میبرند
محکوم به بیست شده هستند ولی کیست که حقوق از
دست رفته شان را برای شان بارگرداند و آنها را از ذلت و
بسیاری تجارت بدند؟
این مردانگی در زمامداران افغانستان امروز موجود

میرم است تا در این زمانه برای چهار سال
نامعلوم در دفاتر ناموجود با مامورین نامرئی و
معاشات هنگفت بیست نشده غورها شود؟
لاف از بازسازی کشور توسط چهار کلاه بردار مافیائی
مرتاج و بیگانه برسد در رژیم کرزی گوش ملت را چنان
بکر کرده که هیچگاه نمیتوان باور کرد که ملت توان
شنبدهن حرف کسی را داشته باشد. امروز افغانستان توسط
یک قشر متوجه که منافق ملی کشور را به دست بازی
گرفته است اداره میشود.
در شرایط فعلی که مردم به مواد اولیه غذایی و
به عمران و آبادی بنیاد جامعه نیازمند هستند
وزارت اطلاعات و کلتور رژیم کرزی با
پخش چند آهنگ زنانه من خواهد
زنان کشور را فریب دهد و
به آنها چنین تلقین کند
که گویا در
افغانستان کرزی
حقوق زنان تامین شده
میرود در حالی که در کابل
صد ها زن بخارت بیداد فقر تن
به خود فروشی می دهند. چرا
وزارت اطلاعات و کلتور در رادیو
تلوزیون - به جای ایجاد جنجال - برای

نیم روز برنامه های تلویزیون را جهت تعلیم
و تربیه خانواده ها و جهت آموزش علم به زنانی
که بیست و سه سال از نعمت سواد و دانش بی
بهره ساخته شدند اعیار نمی کند. چرا برای زنان
یک چیزی مخصوص تلویزیونی و یک دستگاه رادیویی
رسمی دولتی را تأسیس تمیکند؟

اگر کرزی به حقوق زن باور دارد و سالم دارد و اگر او
یک مسلمان افغانستان است به جای مخدم رهین باید
یک زن مسلمان و تحصیل کرده را به صفت وزیر
اطلاعات و فرهنگ یا کلتور بگمارد تا برای همه نمایان
گردد که ملی زن جامعه ساز چگونه میتواند با تبلیغ
فرهنگ سالم دین و کشورش فرزندان سالم به جامعه
نقدیم کند.

مشکلات کشور با پخش آهنگ زنانه رفع نمی شود و
همچنین مشکلات کشور با پخش نکردن آهنگ زنانه هم
رفع نمیگردد بلکه در این مقطع زمانی پخش چنین آهنگ
ها فقط برای ایجاد فتنه در بین جامعه قبیر و جنگ زده و



حلقات رزیم و دارودسته آنها شوند
سید حسیب مصلح - ملبورن - استرالیا

آموخته ام که:

جیزهای کم آهیت را تشخیص دهم و سیس آن
هاراندیده بگیرم.

آموخته ام که:
باخت در یک نبرد کوچک را به قصد نبرد در یک جنگ
بزرگ بیندم.

آموخته ام که:
زندگی را از طبیعت بیاموزم ، چون بید متواضع باشم ،
چون سرو ، راست قامت ، مثل صنوبر ، صبور ، مثل
بلوط مقاوم ، مثل زود ، زوان ، مثل خورشید با سخاوت
و مثل ابر با کرامت باشم .

آموخته ام که:
اگر هایام بیام عشق را بشنوم ، خود نیز بایستی آن را
ارسال کنم .

آموخته ام که:
ترویضند کسی نیست که بیشترین ها را دارد ، بلکه
کسی است که به کمترین های نیاز دارد .

آموخته ام که:
دو نظر می توانند با هم به یک نقطه نگاه کنند ولی آنرا
متغیر نبینند .

آموخته ام که:
کافی نیست فقط درگران را ببخشم ، بلکه گاهی خود
را لیز باند بخشم .

آموخته ام که:
فقط چند تابه طول من کشد تا زخم های عمیق در
قلب کسانی که بوسنان داریم ، ایجاد کنیم اما سال
ها طول من کشد تا آن زخم ها را التیام بختم .

آموخته ام که:
دوستان خوب و واقعی ، جواهرات گرانبهای هستند که
به دست اوردن شان سخت و نگه داشتن شان سخت
تر است .

آموخته ام که:
همه می خواهد روی قله کوه زندگی کنند ، اما تمام
شادی ها وقتی رخ می دهند که در حال بالا رفتن از
کوه هستند .

گرداوری و تظییف از:
سید سلطمن حبیبی

خواهد بود که حقوق اساسی زنان افغانستان را به آنها
تسلیم کنند و با تمام قوت و توان مردانه خود زنان در بنده
و زنجیر کشیده کشور را از چنگ خللم و ستم و بیداد نجات
بدهند .

چرا در قانون اساسی درج نکردند که سن ازدواج حد اقل
هجده باشد و چرا نماینده های زن را غریب دادند که این
را در قانون نامه های مشتق شده از قانون اساسی درج
خواهد کرد در حالی که جنلن قانون نامه ها هیچگاه اعتبار
و مشروعیت قانون اساسی را دارا نمی باشند .
همان است که میگوییم رژیم کرزی از حقوق ملت افغان و
شخصیت زنان افغانستان هرگز به حیثیت شاید و باشد
دفاع نمی کند و نکرده است . اعطای حقوق زنان کشور
نظام و زیرینای فرهنگ قبله سالاری را در افغانستان نایبود
میکند که این مایه تکراری سرمدیاران و رژیم کرزی است .
برخی حلقات اطراف کرزی فکر نکنند که باسته کردن
دستار و شخ راه رفتن در زیر سایه بی ۵۲ و بادیگاران
امریکائی قادر به دفاع از حقوق زن افغان باشند . من در
شاه شجاع غیرت و مردانگی دیدم ولی نه در وجود آنها .
بعماردهمان زنان و اهقال کشور در مناطق جنوب و شرق و
مرکز کشور توسط طیارات امریکائی نمایانگر غیرت و
مردانگی و مردمداری یاند حافیانی ایپرال فائیست هایی
اطراف کرزی می باشد .

فردای افغانستان تحت پرتو زمامت کرزی هانند زیر دیگ
ملا نصرالدین سیاه و حتی سوراخ بنتظر میرسد . همچنین
به رهبران تنظیم ها جای شرم و نشگ است که پول
مهاجرین را به جب زند و آنها را قبر و محروم ساختند
تا باشد که گبر و خصارا عذاد شان برسند و هرجه حواسند
بر سر آن مظلومین بیاورند . مگر باز ملای ناخوانده ای
خواهد گفت تقدیر است برادر چیزی نگو که کافر
می شوی " .

آیا رژیم کرزی حاضر است که در هر ولایت و ولسوالی
مارکت و فروشگاه های مخصوص زنان را اعمار کنند تا
زنان با تجارت و کار در یک محیط کاملاً زنانه از
مشکلات اقتصادی نجات بیندا کنند؟ آیا رژیم کرزی حاضر
است که کارخانه های تولیدی «مخصوص زنان را تأسیس
کند که در آن تنها زنان کار کنند؟ آیا کرزی حاضر است
که مشکلات بنیادین اقتصادی مردم ما را رفع کند؟ نه لو
با عوام فریبی با احساسات مردم شکم گرسنه ما خواهان
بازاری کردن است و میس .

زنان افغانستان خواهان حقوق بحق خود هستند و
نمیخواهند بازیجه تبلیغاتی و تجاری و تولیدی بروخی

دل‌گلست بر سلو بله لار

منزه‌ها به نظاره شهر خود می‌نشینند، دولم آورم،
تصویر زندگی در سر زمینی که فقط آن را در خواب و رویا
و در صحنه‌های پدر و مادر و اقوام دیده ام نیست که مرا
ازار می‌دهد آنچه از ارام می‌دهد ترسی از این است که زیر
سنگینی سختی های زندگی در کشورم در سوزمین مادریم
کمر خم کنم و اینکه آرزوهایم مثل نقش که بر آب
کشیده شده باشد خراب و محو شود. می‌ترسم از قرداز
روزی که با در حاکمی بگذارم که بپوش برایم نا افتنا و
پستی و بلندی هایش برایم غریب است و از آن روزی که
هوای کشورم را نشناسم و از هنگامیکه پای بر پیکر داغ
دیده می‌هنم بگذارم و دلم ارام نگیرد و حشت دارم. گلوس
من روزی که نهال عشق به وطن با پاگذاشتن در خاک
مهر او بخشد. آغاز خواهد شد. و سایه ترس از هنگامی
که قلبم از شوق دیلار گلهای وطن ساز نشود و خاک
می‌هنم مرا لایق ماندن و جاویدن در آن مطهر نداند
همتیم خواهد شد. می‌ترسم از روزی مه از امدن ز
باز گشتن به وطنم آه سرد یشیماتی وجود گرم می‌هنم راه
لرزه در اورد. احساس غریتم از آن است که بیوی خاک
می‌هنم بر تنم نشسته است. و حس بگانگی ام از دل بی
قرارم سر چشم می‌گیرد که سالهاست در انتظار است
که توانی نی چویان را که گله را سوی رود می‌برد بشود.
ولی دلم با این صدا غریبه است، دلم می‌لرزد از روزی
که نوای نی را بشنود و ارام نگیرد. اما هنوز آن غیرتی که
در ریگ همه هم وطنانم جاریست به من این اجازه راتمی
دهد که جز در خاک پاک می‌هنم که با اشک مادران داغ
دیده و آب دیده کودکان بیشم که جای دست پدربر
سرشان خالی است آیاری شده و خون جوانمردان رشید
زنان آن را رنگین کرده در جای دیگری ارام نگیرد.

صادیقه حسینی



همیشه در انتظار رفتن به وطنم افغانستان بودم و هستم
ولی حالا که به روزهای بازگشت به افغانستان به گوه و
دشت و رود طایش نزدیک شده ام می‌ترسم. حس
عجیبی دارم حس ترس از تادیده ها و تاشنیده ها و تکفته
ها که توام با احساس غربت و بیگانگی است. مثال
برستویی که سالها در قفس بوده و بوی خانه را از یاد بوده
و لذت پرواز در آسمان خانه را بجزیره نگرده است. می
ترسم من که تا حالا در کشوری دیگر و زیر سایه صلح
زندگی کردم چگونه در کشوری که هر روز مردمش با
حدای خمباره از خواب ناز بیدار می‌شوند و زیر نور

* تقدیم به *

رسم ماه نیست دل کنن از خورشید تو خورشیدی و می گریزی و ماه از تدارد زندگی تو زیباست
بیین که عشق تو در چهره اش بیداست واو خورشید است و من ماهem
گرچه من آشئم ولو ایم تقدیم با بهترین آزو های دوستان عزیزم ریحانه و مریم از طرف کسی که شمارا بسیار دوست دارد

تسیم محمدی



همان بیشت که گویند لریت آناد است
به چشم اها نظر خاک پاک اجداد است
به سر همای وطن خوش بود که حب وطن
به هر که داد خدا دولت خدایاد است
مستغنى

علامت انکه حق را دوست دارد
آن است که سه خصلت بدو دهنند
۱- سخاوتی چون سخاوت دریا
۲- شفقتی چون شفقت آفتاب
۳- تواضعی چون تواضع زمین
با زید بسطامی

علمهای اهل تن
احمال شان
علمهای اهل دل
حالمشان
گفت ای زاد «یحمل
اس خاره»
بار چاشد علم کان نبود
ز «قو»
شمس تبریزی

جزاع اکر میخواهد ای اسر بلندی نهند ای ای
ذیگران میخواهد و برای خود نمیخواهد، اورا جه
زیر جه بالا هرجا که هست جزاع منور است الا
میخواهد که نور او به ذیگران برسد.
این آفتاب که در بالای آسمان است
اگر در زیر باشد همان آفتاب است الا عالم تاریک
میماندیس او بالا برای خود نیست بلکه برای
ذیگران است.
فیه ماقیه مولانی بلالی



نوشته آن یار سفر کرده به وطن

عزیز بیچاره . نه پول دارند . نه تسهیلات . نه تسلیک و قواره و نه قد و بیه بقول خودش اگه بولدار شد جواحی پلاستیکی می کند خودش گوچند نفری هم که از امکانات و تسهیلات (تسهیلات یعنی علم) گریخته و ازدواج کرده ، بقول عزیز جان یک شب شاهزاده گفت و سندرا لاشده و یک عمر الیور تو نست و سوب آنکی می خورد و جون هر چه بیسے جمع کرده بودند ده گله و قلن و طلا و نالارو... حرج کرده اند . خوب خدا کند خوشبخت شوند و عزیز جان چنین می خواند در عروسی ها گفتم که ماه من شو گفتا که پول نداری گفتم من رم می بارم گفتاد رنتظام گفتم زمهر و زان رسم و فایاموز گفتار خوب رویان این کار کمتر اید گفتم خوشا هوا می کز بلا صبح خیزد گفت خذک نسیم کز خواستگار دیگر اید گفتم دل رحیم کی عزم ... گفتا که پولش بود شد یا پول آن بر اید اگر روزی مستو لان دولتی به این فکر بیفتاد تا این قصبه را حل کند به نظر من باید نوازن را برقرار کنند تا این طایفه همیگر را یشتاستند . (طایفه پسران و طایفه دختران) پسران کیچ کار را سوال بیاد بدهند و دختران را حسپر بیاد بدهند . تا پسران سوال باید بگیرند . پسران با سواد را گنج کاری بیاد بدهند تا بولدار شوند . البته کسالیکه خیلی قد کوتاه هستند تا از پلندی می ترسند حافظکاری هم بد نیست . در غیر این صورت یکی از گونه هایی خواهد بود که زیست تنانسان نگران انقرافی انان خواهد شد .

چایخانه قسمت ۲

حرفهایی که بین مردم است . آنه عزیز : زن یک عمر در خانه حکومت کرده و چون دیدند ما حقوق زن را قبول ناریم و رعایت می کنیم حالا به ولایت حکومت می کنند قنبر زوار : من نفهمیدم که می گویند انجوها خانه می قسلا شده اند . یعنی چه ؟ یک روز رفتم در یک انجو فهمیدم : ما مرد به من گفت : کلو (۹۰) ! قنبر زوار : محیط افغانستان برای رشد بعضی مشكلات بنا بسازیها و یا تا بهیچارها چنان مساعد است که اینست در درون یک قوطی کبریت ! آنه عزیز : این کب بالا ره . قنبر زوار از خودش نکفته . از کدام روز لامه شاید بزیده باشد . او بیچاره معزز از کجا می فامد بیا

چایخانه

کاهی می شود سبزه رو تند یا مثل سبزه رو تند سبزه هارا فقط بوئید سلام ! نزدیک یک سال از عمر چایخانه گذشت . امن هم یک سال پیشتر شدم و توهمند یک سال آگاه تر . البته نه از چایخانه ! این چایخانه هم جاروبی شده که به دم کلیک بسته شده . یک روز میگه از حقوق زن بنویس . لیک روز میگه از حقوق مرد بنویس . در حالیکه من خودم هیچ حقوقی تا حالا دریافت نکردم . یک روز میگه از دموکراسی بشویس . یک روز هم " ده شمو کراسی " حالی هم که مادر کلیک کرده که درباره ی بالا رفتن سر ازدواج مبن جوانان مهاجر بتویسم . دیگر دردهای این مردم خلاص شد و این ازدواج ماند ! معتادی تنش روانی و هزار و یک درد خلاص شد و این ازدواج ماند . ماهم خوشحالیم که همه دردها خلاص شده (دیروز به جامعه رفتم (همین شلوغ بازار خودمان) از یکی پرسیدم چرا ازدواج نصی کنی . گفت : به تو چه ؟ از دیگری پرسیدم گفت : بذر جان من در سهایم مانده است . برای ازدواج حالا فرمخت است . گفتم مگر چند سال داری ؟ گفت فقط ۲۶ سال . گفتم ایه عزیز وقتی ۲۹ ساله بود عزیز جان روزه می گرفت . خانه رفتم عزیز جان را دیدم که پیش ایه ایستاده . موهای سفید سریش را یکی یکی می کند . بسیار پر غدوه بود . مادرش گفت که همسایه به خواستگاری مان برای عزیز جواب را داده است . گفتم قدرای سرت بجم چیزی که زیاده دختر خوب . فقط دختر اسما رجب مانده ! بخیر همی آخری ره هم امتحان می کنیم . راستی اش هر چا خواستگاری رفتم . کسی نیجه مه ره به غلام قبول نکرد . یکی گفت تسهیلات نداره . یکی گفت شعل خوب نداره . دیگه گفت : قواره نداره . بیپ نداره و قدش کوتاهه . فقط یک نفر قبول کرده و او هم آنه تی سه میلیون گله (قلن) اقرار ماند . که مه نداشتم به عزیز گفتم که او هم قبول نکرده . بیچاره عزیز . خانه که هسته فلم هنای سیل می گند . بیرون که می رود لدم خورد . ده ما بین فامیل مان هرچه دختر است از بیکاری داشتگاهی شده . کاری جز درس خواندن نداره : و هر چه بجه است گچ کار شده بیا صاف کارو او بجه هاییکه بادرشان بیسه دار بوده و با خودشان شل و کور بیادیگه رقم هم درس خوانده نتیجه این شده که دخترهای لیسانس داره و بجه هی حداقل فوق لیسانس می خواهند . و در بین بجه ها لونهایی که لیسانس دارند بیول ندارند و لوچهایی که گچ کارند . تسهیلات ندارند و چند نفری هم مثل

هنچار؟

قدیر زوار: هر رادیویی ره که باز من گفتم از حقوق زن گب می‌زند، به یکی از آنها بگوییم و لایت من دهد و یکی امت دیگر را سر شنود انشان جنگ می‌اندازد! قبیرزوار به نقل از جراید؛ سازمانهای پسر دوستانه در افغانستان هیچ کاری نکردند و...

آنه عزیزدر این موضوع: خود پسر توست جه کرد؟! گیش نجاتید قار کرد. قبیرزوار به نقل از...: کبرزای من گه: مواد مخدوش بولهایش به جیب بیگانه ها من رو د...

آنه عزیز: به همه و تو چی؟ مال خودشان است. کار خودشان است و سفارش خودشان است. یک خوب العتل من گوید. بجه غرب رانه بکش، نه بزن، تالش را بگیر (بعد سی کو چطور تریاک کشت من کنه) آله عزیز: قوطی کبریت سوخته قبیرزوار به نهایت که قبیرزوار محظی افغانستان ره به قوطی کبریت تسبیه گرد یعنی چه؟ یعنی در افغانستان ۴۰ نفر لد که توسط یک سر خورده، سر سوخته من شوتد؟ یا دیگر گب است؟

قبیرزوار به حفل از رادیو آزادی: گزارش و مصاحبه، نامزد های پارلمانی را به ۳ گروه من شود تقسیم کرد. یکی جنگ سالاران که هم بول دارند و هم بر منطقه ای حکومت من کنند. ۲. سوسیال تموکرانها که هم بول دارند و هم تا حدودی محبوبیت دارند ۳. دموکرات خواهان که نه بول دارند و نه پشتونهای مردمی

آله عزیز: بالین نفاسیر ۲ گروه آخر خلاص است. جنگ سالاران باید حق رحمت چندین سال جنگ را بگیرند. بیچاره گروه سوم مثل عزیز نه شکل و قوایه داره نه بالا بیدونه تحصیلات و نه بول و آخر هم ونه امید...

لار پایان از همه تفسیرها بیوزش من خواهم و در مورد ازدواج یک نکته عاند من خواهم اینطور بیان کنم: خانواده اصلی عزیز سازه چک هزاره است و ازدواج یک سنت و از آن بهتر سرمنقهای از ازدواج داریم که خیلی ارزشمند هستند و مروت معنوی مان، فرهنگی مان بحساب من ایند. باز هم یک نکته مانده است.

پذیراید در این مورد جزییاتی نگویم و گرنه از جامعه طرد خواهم شد. فقط یک نصیحت: خودمان را زیادتر بنگریم و خوب است خودمان را جای خودمان ببور گنیم به جای دیگران. بیانید به اداره چشمهای بادامی مان بنگریم، که کم دیدن مهم نیست، درک آن مهم است.

تمام چشمهای بادامی من منتظر چشم روشنی های شماست.

خوانندگان عزیز: از جایخانه ی کلیک چه انتظاری دارید؟

منتقدان عزیز: از جایخانه ی کلیک چه انتظاری دارید!

Email: ateaziz@parsimail.com

آدرس های ایتو نتی

اگر محصل رشته فلسفه و با علاقه داشته این رشته می‌باشد در این قسمت دانلودهای آشنا می‌شود که می‌توانند از آنها استفاده کنند

<http://www.Descartes-essays.com>
<http://www.Ethicspapers.com>
<http://www.John-stuart-mill.com>
<http://www.Locke-and-rousseau.com>
<http://www.Kant-essays.com>
<http://www.Personal.monash.edu.au/~deylphil>
<http://www.Philosophers.com.uk>
<http://www.Epistemelinks.com>

مکانهای عجیب و غریب

تصاویر و اطلاعاتی درباره مکانهای عجیب و باستانی و موحوبات عجیب و آشنا که در این بارگاهها با آنها آشنا خواهد شد

<http://www.Peddys.com/mystry.htm>
<http://www.World-my stries.com/mp1.htm>
<http://www.World-my stries.com/mp1-10.htm>
<http://www.Mysteriousplaces.com>

در اینجا یا چند آدرس از برگرین متابع هر آشنا خواهد شد

<http://www.art.net>
<http://www.Art-smart.com/art/links.html>
<http://www.Artresources.com>

و چند آدرس از متابع نارنج هر

<http://www.Witcombe.sbc.sdu/ARTHLLinks.html>
<http://www.Unmich.edu/~hartspchis/tart/mother>

<http://www.Mediatekaf.bg.ac.yu>
<http://www.Art-history.concordia.ca/AHRC>

<http://www.Arhist.umin.edu>
<http://www.Santacruzmah.org>
<http://www.Arthistory.net>

<http://www.Artafam.com>

تاطی بر اظهارات آقای کرزای پیرامون جاسوسان خارجی در افغانستان



پیکار پامیر — تورنتو

مدخلات آشکار حکومت پاکستان در امور داخلی افغانستان طی سخنرانی رسمی در یک جمع افغانان در کابل، خطاب به مقامات آن کشور گفت: «اگر ندانی غیرت افغانیم — چون به میدان اندی میدانیم»، این، در واقع، همان حرف دل ملت عذاب دیده بی افغانستان بود که اتفاقاً از زبان آقای کرزای پیرون چهید و اخباری بود بسیار بحاجه مذاقین قدرتمند پاکستانی و اما این خطابه هنوز در گوشها طنین داشت که ایشان به عجله رهبر اسلام آباد گردیده و مد از صداقت و محبت جان پاکستان زد. حال و قتی ختاب شان در اطراف موجودیت جواسیس خارجی آنها در ادارات دولتی صحبت مبنی‌باشد، اما نمیدانند که ترکیب کابینه، روسای ولی‌ها و فاضی‌ها و... مشمول چه مولا و مصالحی هستند؟ آیا فراموش کرده‌اند که تعداد زیادی از صلاحیت داران دولتشن قبل‌از‌هر دستگاه جاسوس سازی (بی‌لور و رولی‌لندی) پیوریده شده‌اند؟ آیا نمیدانند که آقای (اما لشیتواری) که در رأس تشکیلات قضایی کشور نشسته و کاری جز تهدید کردن و تکفیر نمودن روشن خسیران و دکتر اندیشان ندارد، به کدام «تنظیم» بین‌الگرای مذهبی تعلق دارد و چگونه می‌باشد؟ آقای رئیس جمهوری همچنان این نکته را فراموش کرده‌اند که بگویند جاسوسان خارجی تنها در ادارات دولتی جا و مقام ندارند، بلکه در سرتاسر مملکت پلاکیده‌ی ما و در درون همه نوع تشکیلات ارگان‌های اقتصادی، اجتماعی، کلتوری و فرهنگی جا گرفته‌اند. ملادی که هزاران عنصر خارجی و چند هزار موسسات (ان جی او) و... ظاهرا در سکتورهای فنی و ساختمانی و «کومکی» و مشورتی ... مشمول بکارنده، وقتی دهها و صدها عنصر عربی و عجمی مسلح ریسندار به نام «طالبان» در مناطق مختلف مملکت سرگرم فعالیت‌های تخریبی و ترویجی می‌باشند، وقتی صدها ملا و «واعظ» به اصطلاح اسلامی بدون مانع از خاک پاکستان به درون افغانستان سرگزیر شده مساجد و اماکن اعتقادی مردم ما را ستگر تیغاتی خوبش قرار می‌دهند، زمانی که دهها و صدها به اصطلاح تاجر پاکستانی در پیش‌رون نقل اطلاع شنیده‌اند دارای ملکیت‌های شخصی گردیده و دشته‌های مهم «تجارتی» را به کف گرفته و نیز، هزارهای دیگر آن جای تبروی کار و جوانان پیکار و بی روزگار مارا اشغال گرده‌اند وقتی سفارت‌های خارجی، مستورانت‌ها، هوتل‌ها و سایر تجمع‌گاههای اثنا از کنترل ضروری دولت مصون باشند و بالاخره، تا زمانی که مقامات استعماری و چاکر پیشنهای پاکستانی به بازی‌های لنگری و شیطنت آنرا اشغال در رابطه با کشور ما اذامه دهند چگونه می‌توان از موجودیت و تنسائی جاسوسان خارجی تنها در ادارات دولتی «حرف زد؟ لوضاع کشور متساقنه چنان درهم برهم است که کشورهای خارجی ذی لفع در افغانستان به خوبی

در هفته دوم ماه سرطان آقای حامد کرزای طی جلسه‌ای رسمی که با اولان (استانداران) و قوماندان‌ها (فرماندهان) چند افغانستان در کابل داشت، خطاب به اولان گفت: «مراقب نفوذ جاسوسان خارجی در ادارات دولتی باشید و در صورت شناسایی این افراد انان را از موقف دولتی برکتار کنید». وی همچنان‌که این جلسه افزود: «هر کارمند دولت که به ارتباط با استخبارات خارجی متهم شود، فوری محکمه خواهد شد... و در مواردی عجم اگر این افراد در موقف بلند کار می‌کردند امر کرده‌ام که نامه‌ای اسان افشا شود». بهتر دانستم اندک مکنی روی این اظهارات آقای رئیس جمهوری داشته و چند سوال نیز در همین زمینه‌ها مطرح شده‌اند: ظاهرا وقتی خواننده به جمله‌ها و شنونده به گفته‌های آقای کرزای در این زمینه برمی‌خورد، تصویر می‌کند ایشان به گفتگو جدیدی در افغانستان نائل آمده‌اند و از این اسرار کشف شده‌اند. حال هیچ کسی اگرچه نداشته است، و باز هم، خواننده فکر می‌کند حالا که ایشان این قضیه‌ی مهم را مطرح کرده‌اند آن را حتماً به گونه‌ای بسیار جدی بینگیری خواهند کرد، ولی در حقیقت، نه حضور وجود صدها و شاید هم هزارها جاسوس اکار کلسته‌ی خارجی (بایرش و ادا و السهی ملا و مولوی و کارگر و کارمند و کارشناس و مشاور...) در افغانستان امروز با چنین اشاره‌ها و بیانیه‌ها کم می‌شوند و نه هم کسی به این زودی‌ها به نام جاسوس خارجی در آن دستگاه محکمه و محاذات خواهد شد. زیرا تجربه‌ی سه سال گذشته ثابت کرده است که هر زمانی که افغانی کرزای در ارتباط با دست یا برابر بازی‌ها و مداخلات صریح رژیم بخصوص، در ارتباط با دست یا برابر بازی‌ها و مداخلات صریح رژیم های همسایه سختی را بیانیه‌ای ارائه داشته، به دنبال آن ترجمه و گذشته است. کی میداند؟ شاید چنین ترجمه‌ها و به تعابش، گذشته است. کی میداند؟ شاید چنین ترجمه‌ها و کرتش‌ها و به فراموشی سپرده‌ها اصلاً خواست درونی و بارده و تحمیم شخص آقای کرزای نباشد، مگر جه جاره که گفته‌اند: «ازمین سخت و آسمان بلند» است. از یک سو دولتی لرزان و ناگران با ریخت و شتایل کارتوونیک و معجون و مرکب تهوع اور و از سوی دیگر، امر و نهی اریاب زور که در واقع، هر نوع معجون عرکنی و اخربورت دارد (چون داشته‌اید بکار) و در عین حال، هر آنچه ایشان می‌بفرمایند همان می‌کنند و کسی را بارای نه گفتن در برابرین هم نیست... بتایران، کلیه گفته‌ها و سفته‌های آقای کرزای در قبال سیاست همسایه‌ها طبق سه سال ماضی متأسقه همان حرفهای «توحالی» را می‌ماند که از دهن ایشان برخاسته و بر سال هوا نشسته است. نحمد به یاد دارند که چندی قبل آقای رئیس جمهوری به خاطر

تبیور اندیشه

شک دردی است اتفاق تها وین کس که نمی داند ایمان برادر دوقلوی اوست. جیران خلیل جیران آنکه میانه روی گذاشت خواهد شد.

امام علی(ع)

انکس که راز خود را بهان دارد اختیار آن در دست اوست.

امام علی(ع)

چه رشت است برای مومن دلستگی به چیزی که اورا خوار می کند. امام حسن عسکری(ع)

آرامش لبی ژرفتای افیانوس هرگز از امواج زودگذر سطح آن بهم خواهد ریخت. کسی که متکی به حقایق بزرگ معمتوی باشد از تغییر و تحولات مختصر و تشبیب و فرازهای دائمی و جاری حیات دستخوش اضطراب، نگرانی و تشویش خواهد شد.

ویلیام جیمز

جانی که نتوانم مشکلات را از سر راه بردارم آنها را به حال خود می گذارم تا خود به خود حل شوند.

هزی فرید

در دنیا کسی بدینه تر ازان کسی نیست که مدام سعن می گند خود را به صورتی درآورده که روح و جسمش هرگز با ان مطابقت ندارد. آن‌لو پارتی شاید تعریه کلام دلنشیخ را که امروز به زبان می‌اورید فردا بچشید.

دترین مردم کسانی هستند که از بدگمانی بسیار به هیچ کس اطمینان ندارند و از بد کاری بسیار هیچ کس به آنها اطمینان نمی کند. افلاطیس

هر انسانی یک جلد کتاب است به شرط آنکه بلنی چگونه آن را بخوانی.

گوته

شکیابی و تحمل و از راعت کن تا قلبت محصول خوبی از آن بار اورد.

سیرچون

فرزنده است را به خاطر آنچه هستند دوست بدار نه به خاطر آنچه که تو می خواهی باشند.

فیلوف

به کس نمی شود چیزی اموخت فقط می شود به او کمک کرد که خودش بیاموزد.

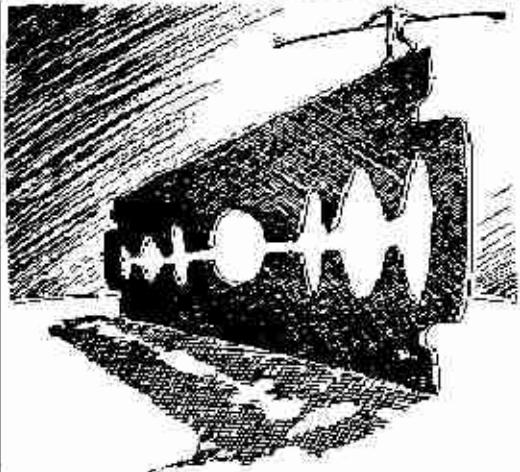
گالیله

اگر می توانی از بقیه مردم عاقللر باش و لی به آنها نگو که عاقللر.

لرد جستر فیلد

گرد آوری و تظیم: ام البنین میرزا

میدانند که جاسوس شان را جسان، در کجا و به چه شیوه هایی علیه هستی مان به کار گیرند. آنها در سامواره حتی تیاز خواهند داشت جاسوسان رسمی خودشان را به داخل افغانستان بفرستند، زیرا قبل از اینها عنصر بومی سرسپرده مسلح و غیر مسلح «افغان» را پروریده و همین اکنون در اختیار خوبی دارند که تنها با یک اشاره آنها، قیامتی بر ضد منافع ملی و امنیت داخلی ما بر پا خواهند کرد. جنابکه همه روزه چنین قیامتیهای در تقاضا مختلف و بوبزه در تواحی مرزی کشور دیده و شنیده شده و خون دهها هموطن بی تقدیر ما به زمین ریختالده میشود. اکنون که موضوع تشکیل بارگان و انتخابات پارلمانی مطرح است، رژیم های خارجی به بسیاری اسانی میتوانند جاسوسان و خدمتکاران سر سپرده ای «افغانی» شان را از طریق انتخابات به محل قانون گزاری کشور بفرستند تا نه تنها در آینده از همه نوع جریان سیاسی و جانی کشور مطالع باشد، بلکه از تنوین و تصویب قولانی که به خد خواست و ارزوی استعماری شان باشد، جلوگیری نیز به عمل آورند. این همان وندی است که نه آقای کرزای میتواند با صدور حرفها «البر» و «فرمان» لازم جلوگیری کند و نه گمیشون هاو کمیته های مربوط قدرت پس زدن آن را خواهند داشت. به اساس چنین اوضاع و احوال دردناک و درهم و برهم است که ناکنون هیچ فرد خانی به ملت، هیچ جاییکار جنگی، هیچ عنصر مسلح ستمگر و هیچ ویرانگر حرفة ای به محکمه و مجذبات کشانیده نشده و نادیر گاهی نیز چنین خواستی به تحقق خواهد پیوست. زیرا راه و وسیله قاطعیت اجراءات حقوقی — سیاسی، دستگیری و محکمه جاسوسان داخلی و خارجی، تعقیب حساب با خاندان ملی و بالآخره تطبیق حق و عدالت فردی و اجتماعی در کشور از چنان معنوی عبور میکند که نه آقای کرزای و ارکین دولتش سری بدان معبر خواهند زد و نه وسیله ای کارساز و گره گشادر گف این گذاشته خواهد شد. بایاراین، تا وضع چنین است، به قول خودشان: «ما روی خویش خواهیم دید». پذیرای مرگ یعنی بعد برخلافه بوقوع مستقیم انتقام اانتهار را به آدرس نظریه پسته و با اینبل برمایید





در فراق پدر

یک شب تو را در خواب دیدم

با دستی پر از گلهای لاله

دیدم که می‌ای بپیشم

اما

پری از نفرت و نامردیها

نگاه اشک چشم‌انم روان شد

اری، توبودی

آنکس که سایلان است

در فراق دیدن رویش از سر تا پا سرشار احساسم

تو گفتی بامن ساعتی از روزهایست

از آن ساعتی که گرفتی در آغوش من را

تا لحظه‌ای که رفتی و من ماند ه تنها تنهای

نگاه هم زد یک صدا این خلوت جاتانه ام را

از خواب ناز خود پریدم دیگر تو را پیشم ندیدم

((جه رنجی می‌کشد آنکس که انسان است
واز احساس سرشار است.))

جه رنج سخت و سنتگینی چو می‌بیند که این

. نامردمان در رونق کشتارگاه عشق می‌کوشند.

ودر بیرون این بازار پر رونق لباس عشق می‌پوشند

نفس در کش اتو از عشق می‌گوئی؟

نمی‌دانی که هر کس زین سخن گوید

شباهنگام خون او نوشند

دهان پر بندیساکت باش!

شباهنگام خفاشان خون اشام به هردیوار برگوشند

سرای خالی از احساس و رنج ماندنی زین سان

در آن آیند دیوان ولباس مردمان پوشند

((جه رنجی می‌کشد آنکس که انسان است
واز احساس سرشار است.))

جه رنجی می‌کشدانگه که می‌بیند برادر

با برادر کینه می‌ورزد

به کنجدی می‌خزد در خلوت خود سخت می‌لرزد

چگونه خوکند با این همه رنگ و ریا و ددی و پستی

چو دانسته است این معنی

جهان و جملگی هایش به کاهی هم نمی‌اژد.

(مهدی شمسی)

دارد کسی گلوی مراد داد می‌شود

کشوم جنت شود روی زمین

مرضیه غلامی

طعنه به جیغ گمشده باد می‌شود

دارد کسی میان من و روزهای من

بالحظه‌های له شده فرباد می‌شود

اینجا منم و حنجره زخم خوردده ام

و خاطرات سرخ تو که باد می‌شود

کوهی! که غصه‌های مرا اسبر کرده ای

اینجا کسی به یاد تو فرهاد می‌شود.

(فرشته رضانی)

وطن

کشورم ای میهن آزاده ام

من از تو او آوازها بشنیده ام

من شنیدم تو دیگر ویرانه ای

از همه مردم و هر بیگانه ای

اما آخر تا کجا باید گریخت

تا کدامین مرز باید پیش رفت

تایله کی او اوه باشیم در جهان

طاقت ندارم بشنوم از این و از آن

کشور تو این چنین است، انجنان

من اگر کوییده ام پا در زمین

تابسازم من تو را خلد برین

عاقبت خواهند دید دشمنان اجنبی

کشورم جنت شود روی زمین

مرضیه غلامی

حتی اگر خدای من انسان بیاورد

بر جسم های مرده ماجان بیاورد

حتی اگر که عشق پیاشد به لحظه ها

یعنی که رنگ و نور فراوان بیاورد



لارستان

بود؟ از هر کسی که ساعت آن را می گرفتند حوتیش از ترس سفید
می شد و بدنت سرد، آخه مردم بر این غمیده بودند که اگر حریقی از
حاکم سایه بزندت شب، سواعظ خواهد امد. اوحاج چین هم نیاند
روز هایی امده که هنگام غروب مردان نقاپدار به در خانه ها می آمدند
و از مردم ملیات حاکم سایه را می گرفتند و آنها را از ترس می سترند
من نرسانیدند آنان چنان مردم را به تنگ اوردند که دیگر زندگی
کوین در آن شهر سخت شده بود. روزها گذشت ایک روز یکی از
نقابداران که خود را از ماموران حاکم سایه می خواند را به پیمارستان
شهر آوردند. بیچاره شب قبل از ترس سنای حاکم سایه خلیج شده
بود. مردک گفت که: مرا بخشید، من ملعون بودم و فقط از این اب
کل آلو خواستم ماهنی بگیرم ولی اگر حاکم سایه ملیات نمی خواهد.
پس چه می خواهد بجز از سر مردم بر نمی نارد. از کجا امدو
است. و از این شهر و این مردم چه می خواهد آنمردم هر چه کردند
سر از کار حاکم سایه در نیاوردن و هر چه راه جاره جستد کمتر واهی
پاچند. وقتی مردم همه روز همه ری مردم از کوچک و بزرگ و
تباشند و قوار شد ریک روز همه ری مردم از کوچک و بزرگ و
از زن و مرد به بیان کثار شهر بروند. روز موعود رسید. سویوا
ترنه در بیان حضوری هم رسانیدند. زنان تاله می کردند، گودگان
گزیره می کردند و سردازی دعا و لیاشیش. روز از نیمه گذشت. همه
متغول بودند که سنای کودکی همه را به خود آورد. من حاکم سایه
را گرفتم، گرفتم. بیاید بینند. مرد جون نام حاکم سایه را
شیدند می اختیار به هر طرف گریختد با پایی برهنه چنان از صان
خواهان می گذشتند که گوئی اصلنا احسان تارند و زنده جان نیستند.
عدد ای مانند و ان عدد کسانی نبودند جو، کسانی که حققتاً نمی
ترسیدند بلکه از روی ابلهی ترس را تعمیمیدند با شاید هم دیگر از
این وضع خسته شده بودند دور پسر ک را جله زده بودند و مات
وصیوت او را بگاه می کردند پسرگ جمه کوچکی در دست داشت.
و جون درپ جمه را گشود انگار جان از پس نظارت کران سرون می
رفت. پسرگ درون جمه را نگاه کرد و منجب ناد زد: اون بربده
اون رفته. فزار کرد. نزدیک بوده آن عدد قاتل پنهی کند که پسرگ
از روی لسان یکی از آنها بادستش چوی را گرفتار و در جمه
گذشت. آن حاکم سایه بود که به چگ پسر ک اسیر شده بود. همه
نگاهش کردند، کوچک و سایه ولی وحشتاک و ترسناک بود. همان
خلوی، که فکرش می رفت. رشت و کربه بود. ولی مردم جون اورا
دیدند کم کم به شکل و قیافه ا لو و همچین سنای وحشتناکش
عادت گردند. سالها گذشت تا مردم نام اورا از حاکم سایه به جر
حیم ک تغیر نادند.



سلاطیگی خلی پیش در جایی خلی دور، خود را از الکه کسی فکر کرد
را بکند: تهری بود آباد و سرسیز. مردمن داشت که خان ساده و
دوست داشتنی بودند. شهزاده همه با همدیگر دوست بودند.
الان زندگی ساده و حمیمی داشتند و به همدیگر مهربانی می بودند.
مثل نیمه شهراها هر کس بکاری مشغول بود. صحنه آغاز زندگی و
پیویس و گوشتن بود. مردمانش سحر خیر بودند. از همدیگر سرمه
ردند و به کمک همدیگر خود رفته و گاهی هم کنار هم جمع می
شدند و ساعتها خوش می ساختند. ولی اوضاع چون تمالاً
روزگاری رسید که مردم اختر سرگرم کارهای خود شدند. و از
همدیگر غافل حال مردم شهر پیشتر به راهه پیشتر می اندیشیدند.
حال اگر کسی بدینباره کسی می رفت هما بیوای معامله می رفت ما
خوشگذرانی دیگر روح محبت و دیانت از شهر پر کشیده بود. از
آنهمه خصلت نیک خوبی بود همه چیز تغیر کرده بود بلون امکه
کس متوجه آن نشود. دیگر از آن حاکم دانا و مهریان هم خبری
نیوی. همه چیز مثل شهر ما شده بود: کسی تعهدی نداشت. لا ابالی
گریبوخوشگذرانی در شهر رواج پایه بود. یک شب عده ای از جوانان
مردی عیش و خوشگذرانی به خواجه کار شهر رفتند. خواجه کنار شهر
ساخت و تاریک بود. جای دلچی شده بود مردی عیش و متی عده
ای. چون به خواجه رسیدند ساطع عیش و خوشگذرانی را گسترش داد
حال کار خود بودند که صلبی و حستاگ همه را به خود آورد صلبی
شیطان بود که از تو ساسن اثناں را به لرمه در اورده بود. همه
گریختند و با چجهه های وحشت زده به شهر فرار کردند. وبا وحشت
 تمام خادمه شب قبیل را به مردم تعریف می کردند. همه جا صحت از
خرابه بود. همه گریختند و با چجهه های وحشت زده به شهر فرار
کردند. وبا وحشت تمام خادمه شب قبیل را به مردم تعریف می کردند
همه جا صحت از خرابه بود و از حنای شیطان. چند شب گذشت تا
اینکه یک شب کسانیکه در خانه شهزادگی می کردند بالاترین به
مرکز شهر امتدند و از سایی وحشتاگ شیطان سخن می گفتند. ازی
آن صنا وارد شهر شده بود. چندی گذشت حال صندای شیطان با
حاکم سایه در شبهای شهر حکومت می گردید مردم که در روز کار می
کردند: روز را می گذرانند با رعنی عجیب به استقبال شب هر اس
می رفتند. همیکه خورشید بست کوه قاکل می رفت وحشت آغاز می
شد. و آن صنایعی که شد و زندگی من موقوف. استخوانهای مردم به
لزه در می آمد و مو هادر بدن راست می نشد. صدای جع و فریاد
زنان که می گفتند: بس که تو را خداییس کن. از جان ماجه می
خواهی؟ و گزینه کی کودکان که هم اواز خواجهی زنان می شد!
محیط را وحشتاگ نومی کرد. انقدر که جی کس نخواهی داشت
توانست. مردانی که هم از این صنایع کلاهه شده بودند قریاد می زدند
که: بینی یا ما را خلاص کن یا دست از بر ما بدار، از جان ما چه می
خواهی. جدا خفه نمی شوی، بس کن. بس کن. دیگر حسی مردم
از غلخانه در و بتجهه ها هم می ترسیدند. گاهی قبل از رسیدن شب
چند نفری کنار هم جمع می شدند تا شاید شب را با زجر کمتری
صحیح گند. مردم از تویی خاچب حنای را حاکم سایه سی خواناندند.
حال شهر پللو شهر وحشت شده بود. مردم فقط زندگی بودند و مثل
مردگان زندگی می گردند مقامات شهر روز هایی ان صنایعی که
نمای را نایدند گندند. ولی چه کسی جو از داشت تا نامی از حاکم سایه

کذب در افغانستان

محفل تجلیل از روز معلم که با سخنرانی دستیار رئیس جمهور کریم خلیلی و پیام رئیس جمهور آغاز یافت، نور محمد قرقین وزیر معارف افغانستان در گفتارش از پول ماهانه پیشتری که برای معلمان که دور از محل سود و بیان حاضر به اجرای وظیفه «علمی میشوند، یلا کرد دل ان زمین به معلمان بی زمین در دشت سقاوه مزده دیگری بود که وزیر معارف از آن سخن به میان آورد.

حال ترین بخش محفل اجرای نمایش بود که وزیر ای شرکت کننده و تماشاجیان را ساخت تحت تاثیر قرار داد و حقیقتی فراتر از پیام های رسی راهمه در این نمایش به چشم سر میدیدند.

نمایشنامه که با موفقیت توسط دانش آموزان دختر اجرا شد اسر گذشت معلم را بیان میکرد که از قسم شدید حاضر به گرفتن رشوه هم نیست و در ساعات پیش از معلم دستفروشی میکند روزی دخترک پوادری که والدینش از لاماق هبروین زنده گی با سعادتی دارند با عادرش، معلم دستفروش خود را می بینند به معلم میگویند: درین ملک همه رشوت میخورند، شما چرا تمیخورید؟ معلم کدمی بینند شاگردش از درستی پرده بی نگرفته برشان میشود و میگوید: دستفروشی بهتر از رشوه است، من در برابر نسل اینده مسؤولیت دارم.

دخترک پیشنهاد میکند که به پدر و مادر بی سوالش که بول فرلوان دارند، سواد بیاموزد.

در پرده دیگری که معلم مقداری گوشت و دل و چکر را برای یختن آورده، زنش می برسد از معاش معلمی است؟ به سؤال زنش می خند و میگویند: نی از دستفروشی! دق الاب میشود و دخترک معلم در رامی گشاید و می بینند که صاحب خانه یشت کرایه نش ماهه نایبرداخته امده. معلم پنهان میشود و دخترک وقتی بدرش رامی باید، تصور میکند که از هوش رفته. طبیب را خبر میکند و می بینند که طلب معلم از کار باز مانده است.

زین ترین لحظه نمایش وقتی بود که شاگردان به خاطر کوچک بودن ستیز جنازه را از مقابل وزیر ای دولت با خواندن ترانه:

علم شادمان باشی معلم خلودان باشی یگراند.
معلمان بینند و عده زیادی از تماشاجیان اشک میبرند.
هنگام یخشن گزراش تجلیل از روز معلم در رادیو تلویزیون افغانستان، غیور خنده معلم از برادر وزراء ساتسور شده بود.
نام های «mafia سیاسی» مواد مخدر افغانستان افشا شد

روزنامه نیویارک تایمز به تاریخ ۱۹ نومبر ای سال به قلم خبر نگار خود کارته کمال در ضمن انتشار خبر افزایش بی سابقه کشت تریاک و نگرانی جامعه جهانی نام برخی از مأمورین عالی

حسنیوق حفایت از کودکان سازمان ملل متحد بزرگسیهایی را در صوره مرگ و میر مداران و کودکان در افغانستان انجام داده است. یک مستول یونیسف در یک کنفرانس خبری، گفت که در افغانستان از هر هفت کودک زیر سن یک سال یک کودک در اثر بیماری های مختلف تلف می شود. ازدواج زودهنگام دختران، عدم دسترسی آنان به آموزش و پرورش و آمار بالای مرگ و میر مداران و کودکان در افغانستان، همچنان از تکرارهای عمدی در این گشوده شمار می روید.

سیسیلیا لودزه مستول حسنیوق حفایت از کودکان سازمان ملل متحدد در امور آسیای جنوبی که اخیراً از مناطق مختلف افغانستان بازدید کرد، وضعیت زندگی زنان در این کشور را بحرانی توصیف کرده، وضعیت زندگی زنان در این کشور تحقیق و بررسی در ولایات مختلف افغانستان به خبرنگاران در کابل گفت که شرایط زندگی در افغانستان در حال بهبود است اما زنان هنوز هم با اتنوع مشکلات روبرو هستند.

خانم لودزه گفت که بر اساس بررسی های حسنیوق حفایت از کودکان سازمان ملل متحدد مرگ و میر کودکان لوزاد و کمر از پنج سال در افغانستان امر بلندی را نشان می دهد که در این میان کودکان دختر می بیشتر اسیب پذیرند.

عدم دسترسی به آموزش های ابتدایی این مستول منطقه ای یونیسف با اشاره به وضعیت آموزش و پرورش در افغانستان گفت که تهاده در حد دختران در این کشور به آموزش های ابتدایی دسترسی دارند. لو افزود از هر سه دختر پنج ساله در افغانستان تنها به یک نفر امکانات رفتن به مکتب میسر است. خانم لودزه ازدواج های زودهنگام را از عده ترین عوامل نزفتن دختران به مکتب عنوان کرد. او گفت که چهل درصد دختران زیر سه هجده سال در افغانستان مجبور به ازدواج می شوند که این امر مانع رشد اجتماعی آن شده است.

یونیسف در این زمینه، یکی از دلایل کاهش طول عمر زنان در افغانستان را بیز ازدواج های زیر سن هجده سال اعلام کرده است. اما سیسیلیا لودزه، از نلاش های سازمان ملل متحدد در زمینه بهبود وضع زندگی زنان افغان سخن گفت و ابراز امیدواری کرد که توجه جهان به این موضوع بیش از اکنون جلب شود.

روز معلم جنازه معلم از جلو چشم وزیر ای دولت گذشت

دانش آموزان لیسه عالیشه درانی روز معلم را با اجرای نمایشنامه بی به کمک ریاست رادیو تلویزیون تعلیمی و تربیتی در تالار لیسه امانتی گرامی داشتند.

یک مرد صربستانی که به علت بیماری به پزشک مراجعه کرده بود بعد از معاشره متوجه شد که صاحب ۴ کلیه است.

میلیاواستواتوچ که ۵۸ سال دارد میگوید: این اولین باریست که به مطب یک پزشک مراجعه می کنم و بی کفت که فصد ندارد کلیه های اضافی اش را بفروشید. این در حالیست که هر ۴ کلیه وی در وضعیت سالم قرار دارند. بوی در عین حال افزوده در صورتی که جوستان با خوشلودانه میاند عمل کلیه باشد، کلیه های خود را به این اهدا خواهیم کرد.

وی افزود: نویشیدن ۱۰ لیتر آب در روز برای من یک امر کاملاً عادیست و از اینکه ۴ کلیه دارم بسیار به خود انتخاب می کنم و همچنین قصد ندارم اینها را بی جهت بفروش بررسانم.

ایما میاندید بپرداخت ترین عطر جهان چه تام دارد؟! برقروش ترین عطر در جهان چالی هاست که سالانه ۱۰ میلیون شیشه از آن در سطح جهان به فروش می رسد. در تجیه این عطر پر طرفدار ۸۰ عنصر و عاده ترکیبی بکار می رود. امروز بلار عطریات بسیار پر ووچ و سود اور است و سالانه بیش از ۷۷ میلاردادلار از نوع عطریات در جهان عرضه و مصرف می گردد.

هنوز رکورد دوقوهای نشکسته است؟

در عجب ترین زایمان دو قلوها، که در سال ۱۸۴۶ در استرالیا راگ اتفاق افتاد دوقوهایی با ۱۳۷ روز قابلی از هم دیگر متولا شدند و رکوردی را به خود اختصاص دادند که تاکنون هیچ دولالوبی در سطح دنیا نتوانسته است ان را بشکند همچنین در زمینه دوقلویانی، یک زن ابتلایی ساکن سیسیل، رکوردی از خود بر جای گذاشت که محل این کسی بتواند این را بشکند. زیرا وی در ۱۱ زایمان خود چشمیه فرزندان خوکلو به دنیا نورد است.

یک اتفاق نادر و تعجب اور

نوزاد دو ماهه ای که حروف می زند یک نوزاد دوماهه جستی که هنگام گرسنه شدن به جای گریه کردن مادرش را حدا می کند و بحسب تعجب همه شده است. به گزارش پایگاه خبری می چینگ تایمز: این کودک و قنی گرسنه می شود، مادرش و حدا می زند. خانم ونک ساکن شهر پکن متوجه شد نوزادش می توائد حتی در تو ماهگی حرف بزند. این نوزاد همچنین می توائد کلمه «نای» که در چینی به معنی شیر است را تلفظ کند. پزشکان بیمارستان کودکان یکن اعلام کردند: این که کودکی و ماهه می توالد دو کلمه را تلفظ کند بسیار تعجب اور و نادر است.



رتبه حکومت کریزی را که در قاجاق مولد مخدور دست دارند نیز افشا نموده است.

روزنامه نام این افراد را از متابع مهم استخاراتی آمریکا در افغانستان بدست آورده است. درین میان ازبرخی قوماندانهای محلی در شمال گرفته تا وزرای کریزی نیز شامل است. در میان نام مافیای سیاسی مواد مخدور عارف نوروزی و زیر سرحدات، شیخ محمد آخندوالی هامنده و مادر ریس جمهور منتخب افغانستان احمد ولی کریزی نیز شامل است.

دست داشتن برادر کریزی در میان است مافیای سیاسی قاجاق مولد مخدوای مدت ها قبل برسرزبان برخی رسانه های خبری جهان قرار داشت. مسیاری دبلوماتی های خارجی دست داشتن اقارب نزدیک و دوستان کریزی را در قاجاق مولد مخدور باعث می اعتبار شدن شعار های مقابله با کشت و قاجاق مولد که همواره توسط کریزی اعلان می شود، می دانند. این در حالتی که کریزی مخالفت خود را با سم پاشی آخیر بر مزارع تریاک در شرق افغانستان اعلام نموده و ابر اخیلی سفر به زراعت شمرده است. از دید گاه برخی دبلوماتها هر چند کریزی همواره عامل اصلی قاجاق مولد مخدور را جنگسالاران شمال معرفی می کند اما اکنون به نظر می رسد افزایش تریاک در مناطق جنوب از جمله در زاد گاه ریس جمهور حورت می گیرد.

روزنامه سایس مانیتور به تاریخ ۱۶ اکتبر امسال از قول خبرنگار خود سکات بلداقت از قند هار خیر دلا که لاری های مولد مخدور برادر ریس جمهور دست گیر شد.

جان محمد خان قوماندان پولیس قند هار می گوید: بار ها لاری های بر از مولد مخدور مربوط به ولی کریزی دست کبر شده، اما به زور رها ساخته شده است.

آخرین بار مولد دستگیر شده با وجود تهدید از جانب برادر کریزی، به وزارت داخله تسليم داده شده است. ریس پولیس قند هار گفت:

«این وظیفه من است که بر علیه قاجاق مولد مخدور مبارزه نمایم، اما ما چند نفر پولیس معمولی هستیم و لو برادر ریس جمهور افغانستان است.»

لو همچنان گفت که ولی کریزی بار ها مارا تهدید تهدید که با مولد مخدور دستگیر شده را از قبدها کنیم و با «برای امریکانی ها شما را بنام القاعده معرفی خواهم کرد.»

البته ولی کریزی همه این اظهارات پولیس را رد می کند. ارسال گشته: وارت از کابل

ازدواج با ۲۷ زن در ۱۸ شهر

خبر ازدواج یک استاد دانشگاه با ۲۷ زن در ۱۸ شهر هم شنیدنی است در دوره ای که ازدواج کردن با یک دختر هم هزار بک شرط و شروط هزار در دسر دارد می شنودم و می خوانم که یک استاد دانشگاه در چند شهور مختلف با چندین زن ازدواج کرده و دارایی های انهارا به یعنی برد و سپس جدا شده است و بالاخره با شکایت بیست و یکمین زن تحت بیگرد قرار گرفته است.

مردی با ۴ کلیه



داده کاوی؛ تعمیق نگاه به دنیا

فرایندی که نلاش می کند اطلاعات را در کنار هم قرار دهد و ارزش افزوده ای به وجود آورده استخراج دانش از پایگاه داده یا *Knowledge discovery in database* نامیده می شود داده کاوی که مهمترین قسم این فرایند است، از روش های خودکاری استفاده می کند که توسط الگوریتم های پیچیده، الگوهای پنهان و استثنای ها، وضعیت های تأمکلوب و ساختار اطلاعات ذخیره شده را اعلام می کند و اطلاعات مورد نیاز را از بین مجموعه های داده انتخاب می کند داده کاوی از علمی مانند یادگیری ماشین، هوش مصنوعی، آمار، شناسایی الگو، پایگاه داده، نظریه اطلاعات، سیستم های خبره) (با تحریه)، پردازش با کارایی بالا، محورسازی و برنامه ریزی فرایندهای تصادفی استفاده می کند در نتیجه این فرایند، داده های کم ارزش به داشت پر ارزش تبدیل می شوند.

دانشی که داده کاوی در اختیار ما قرار می دهد، یا توصیف وضعیت موجود است و یا پیش بینی وضعیت آینده، یعنی ترتیب که با در اختیار داشتن مقداری داده نمونه، داده کاوی و استثنای داده ها به یکدیگر، همراه و تاخیر خذادها، شباهت های مختلف داده ها به یکدیگر، نوع داده ها مطابق نظر کاربر و قوانین و الگوهای حاکم بر این داده ها را مشخص می کند. اگر نمونه آماری مناسب انتخاب شده باشد نتایج را می توان به کل داده ها تعمیم داد و مهمتر آنکه می توان از این نتایج برای پیش بینی وقایع آینده استفاده کرد. این همان تحریه ای است که مشاهده جهان به کمک فناوری اطلاعات، در اختیار ما قرار می دهد.

قبل از بیان چند مثال کاربردی، با برخی از مهمترین روش های داده کاوی آشنا شویم. دسته بندی، که نوعی یادگیری بدون نظارت است، یکی از این روش هاست، در این روش، داده ها براساس شباهت هایی که با هم دارند، دسته بندی می شوند و هیچ عامل بیرونی دسته بندی ها را تعیین نمی کند به همین دلیل به آن یادگیری بدون نظارت نیز می گویند. مانند دسته بندی خانه های روستایی براساس فاصله از یکدیگر، یعنی خانه هایی که

منبع: IRTN

حتماً تاکنون بارها عبارت «انقلاب دیجیتال» به گوشتان خودرده است و احتفالاً درباره واژه هایی مانند انقلاب دیجیتال، انفجار اطلاعات، عصر رسانه، عصر اطلاعات و ارتباطات و واژه های مشابه، اطلاعاتی نیز دارید. اما چقدر به کاربرد عملی و ملموس این عبارات و مخصوصاً فایده انقلاب دیجیتال در زندگی فکر کرده اید؟ انسان متغیر، هر اندازه که بیشتر عمر می کند و با واقعیت های بیشتری روبرو می شود، اصطلاحاً ممی سپید می کند و در شئون مختلف زندگی خبره تر، در این میان، انفجار اطلاعات و انقلاب دیجیتال که در دوره های اخیر زندگی بشری رخ داده است، چه امتیاز و برتری به بشر امروزی داده است که انسان قدیم از آن محروم بود؟ در کنار فناوری های تصویری، دستگاه های بی سیم و اینترنتی ارتباطی که به مدد انقلاب دیجیتال و فناوری اطلاعات وجود آمده اند، داشت بزرگترین هدیه فناوری اطلاعات است، دانشی که انسان امروزی را خبره تر و با تحریه تر از انسان دیگران می کند فناوری اطلاعات، به اینراهه، روش ها و فنونی اطلاعات می شود که از اطلاعات برای فهم بهتر از جهان، کاهش هزینه و وقت صرفی و افزایش بهره وری و در نتیجه زندگی راحت تر استفاده می کند. رخداد انقلاب دیجیتال باعث شد تا حجم بسیار بالای اطلاعات دیجیتالی به وجود آید و روزبه روز حجم اطلاعات و سرعت پردازش، انتقال و دسترسی به آنها افزایش یابد. داده کاوی، یکی از فناوری هایی است که از در کنار هم قرار دادن این اطلاعات دیجیتالی، تولید دانش می کند. داده کاوی از ابزار محاسبه گر قدرتمندی به نام کامپیوتر استفاده می کند تا به این حجم بالای اطلاعات دیجیتالی دسترسی داشته باشد و بتواند آنها را پردازش کند. سرعت بالای کامپیوتر در دسترسی به اطلاعات و پردازش آنها در کنار حجم بالای اطلاعات دیجیتالی، همان مزایایی هستند که مختص بشر امروزی است. در نتیجه دانش به وجود آمده از این اطلاعات، امتیازی است که انسان قدیم نداشت.

حجم زیادی از داده ها، امروزه به شکل تصاویر ذخیره می شوند. تصاویر ماهواره های نقشه برداری و عکس های دیجیتالی نمونه هایی از این نوع داده ها هستند. شناسایی شاهت ها، الگوها، و استگاه ها و توالی تصاویر، وظیفه تصویر کاوی است. ظایسه عکس های ساختمان های یک شهر و یافتن الگوهای مشترک در این ساختمان ها، می تواند در شناسایی الگوی معماری آن هر موثر باشد.

کاوبین تصاویر به دو صورت انجام می شود

۱- براساس مشخصات متی مانند نام، حجم و نوع گه مشخصاتی متی هستند.

۲- براساس محتوای درون عکس، این خصوصیات محتوای شامل زنگه، روشنایی و تیرگی رنگ، سدت و خفت رنگ، بافت عکس، شکل هندسی عناصر تصویر، موقعیت مکانی عناصر تصویر و اندازه آنها و... شامل می شود. یک مورد پرکاربرد تصویر کاوی، جست وجوی تصاویر نه براساس نام آنها، بلکه براساس محتوای آنها است. در شکل، نمونه ای از جست وجوی تصاویر را می بینید یک عکس به عنوان عکس مورد جست وجویه موتور جست وجوگر داده شده و عکس های مشابهی از لحاظ رنگ، شکل (همبندی) گل، چهت گیری گل و موقعیت آن در صفحه، از داده های تصویری استخراج شده است. برای پردازش تصویر، از مدلی برای نمایش آن استفاده می کنند. مثلاً برای پردازش رنگ ها، از ماتریس های چند بعدی برای نشان دادن خصوصیات هر پیکسل استفاده می کنند و برای پردازش شکل ها، تلاش می کنند شکل هندسی عناصر را توسط گراف بیان کنند، آنگاه می توانند با تکنیک های نظریه گراف ها، شباهت ها را تشخیص دهند.

• وب کاوی

اینترنت بزرگترین بانک اطلاعاتی موجود در دنیا است. اطلاعاتی که تقریباً هر ۱۸ ماه دو برابر می شوند و به طور دائم در حال تغییر نموده اند. محتوی های جست وجو از مهترین ابزارهای کاوش در وب است. اما این جست وجوگرها به بسیاری از منابع دسترسی ندارند و معمولاً اطلاعات نامناسبی به کاربران ارائه می دهند. چرا که متنکی به کلمات کلیدی هستند و به ندرت موتور جست وجویی پیدا می شود که براساس معانی کلمات جست وجو کند.

وب کاوی به تکنیک های خودکار بازیابی، استخراج و ارزیابی اطلاعات از بروندہ ها و سرویس های تحت وب

به هم لزدیکترند در یک دسته قرار می گیرند و عامل تعیین دسته ها، خود داده ها هستند و نه یک ناظر بیرونی روش دیگر، طبقه بندی، یا یادگیری با نظرات است. یعنی کلاس ها و طبقات از پیش تعیین شده ای وجود دارند که داده ها به داخل این طبقات تکاشت می شوند. سپس خصوصیات داده های هر طبقه را به دست اورده و از این خصوصیات برای پیش بینی نوع و طبقه داده های بعدی استفاده می کنند. قانون کاوی روش دیگری است که به باقی قوانینی به شکل لا می پردازد. مثل اینکه یک پریشک بر اثر تجربه متوجه شده باشد که هرگاه بیمار خصوصیات بالینی به خصوصی داشته باشد، آزمایشات نیز نتیجه خاصی خواهد داشت. در نتیجه او می تواند با شرح حال گرفتن، حتی الامکان در موارد مشابه از انجام آزمایش جلوگیری کند. به عنوان یک مثال، فرض کنید که یک کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری تلاش می کند تا تیازهای مردم را شناسایی کند و براساس این شناخت، برنامه های خود را تنظیم و ارائه کند. اطلاعات انتخابات های قبلی را در کلار نمونه های آماری که دلایل پراکندگی مناسبی از لحاظ جغرافیایی، میزان تخصصات و وضعیت اقتصادی لست به عنوان داده نمونه در نظر می گیرد. ممکن است با کاوبین این داده ها، متوجه شود که در چند سال گذشته هرگاه فلان موضوع فرهنگی مطرح شده است. مردم تقابل بیشتری به خرد فلان کالای فرهنگی داشته اند و یا می تواند در باید مردم مناطقی که از لحاظ اقتصادی وضعیت مشابهی دارند در چه تصمیماتی مشابه عمل می کنند و در چه موقعی تصمیم های متفاوت می گیرند و البته می تواند نتایج بسیار دیگری استخراج کند. نتیجه که از در کنار هم قرار داده ها و کاوبین آنها حاصل می شود، یک سهامدار بورس را در نظر بگیرید که می خواهد وضعیت بورس را طی هفته های آتی پیش بینی کند او داده های آماری هفته های اخیر را در کلار هم قرار می دهد. ممکن است متوجه شود که در ایندای هر ماده، شاخص سهام کاهش پیدا می کند، مصاحبه های وزیر برخی شاخص ها را که از فلان لحاظ با یکدیگر مشابه هستند، تغییر می دهد و در مقابل، شاخص برخی شرکت ها نوسان جیار کمی دارد. حال او می تواند تا حدی وضعیت آینده بازار بورس را پیش بینی کند. این نتیجه به کار بردن فناوری اطلاعات و استخراج دانش از داده ها است.

• تصویر کاوی

مشتریان ارائه داد در عرصه مدیریت می توان برآمدهای راهبردی را براساس داده های قابل تدوین کرد و در عرصه امنیتی تیز داده کاوی در شناسایی اثر انگشت و چهره به کار می آید. انقلاب دیجیتال باعث می شود که دنیای واقعی را به شکل اطلاعات دیجیتالی بیان کنیم و آنگاه با داده کاوی، به اطلاعات جدید برسیم. در نتیجه می توانیم بسیاری از شئون زندگی را تحت تابیر قرار دهیم. این ابزاری است که در اختیار انسان امروزی قرار گرفته است تا در حالت خام همان بیند که گذشته کان در آینه

— ۴ —

می دیدند

(System Restore) نحوه استفاده از سیستم بازیابی

ویندوز XP این امکان را به شما می دهد که با چند کلیک در برنامه System Restore زمان را به عقب برگردانید. ویندوز هر روز و بعد از هر اقدام ممکنی که انجام می دهید، تصویری از تصویری از تنظیمات کامپیوتر را در یک سخت ذخیره می کند. حال اگر کامپیوتر شما فتار عجیب و نا خوشبینی از خود شنیدن داد System Restore را به حافظه منتقل و اخرين روزی که کامپیوتر شما خوب کار می کرد را کلیک کنید و ویندوز از نظر زمانی به عقب برگرداند و کامپیوتر شما را به تنظیمات آن زمان برگرداند. نحوه اینکار در زیر آمده است: ۱- مطابق مسیر زیر برنامه System Restore و اجراء نمایید از سری:

Menu \ All Programs \ Start Accessories \ System Tools \ System Restore
Restore My Computer to an Earlier Time را کلیک کنید: ۳- تاریخی را که کامپیوتر شما در آن خوب کار می کرد را کلیک کنید و سپس Next را کلیک کنید: ۴- مطمئن شوید همه فایلهای باز را ذخیره کرده اید و سپس Next را کلیک کنید. نکته: بعد از اینکار کامپیوتر شما به صورت خودکار بکار رستارت خواهد شد تا عملیات لازم را انجام دهد.

نکته: اگر ویندوز شما در حال خاص خوب کار می کند میتوانید یک Restor Point پسازید تا اگر در آیند کامپیوتر شما به مشکلی بر خورد گرد پتوانید به نقطه موردنظر دسترسی داشته باشید برای اینکار همه موارد با توضیحات قبل بکی است و فقط به جای مورد ۲: Create a restore point را کلیک نمایید و در صفحه بعد نام انتخابی خود را وارد نمایید.

به منظور کشف دانش اشاره دارد. وب کاوی از سه دیدگاه وب را مورد کاوش قرار می دهد:

۱- محتوا: کشف دانش از محتوا، فایل ها و پرونده های موجود در وب که شامل صوت، تصویر، متن و دیگر انواع چند رسانه ای می شود.

۲- ساختار: برای بی بودن به ارتباط بین لینک ها و پروتکلهای درونی در یک وب سایت، معمولاً یک گراف دو سه بعدی برای تعامل این ساختار به کار می رود. در نتیجه می توان میزان دسترسی به صفحات و لینک های مختلف یک سایت را به دست آورد و از این نتایج برای مدیریت بهتر سایت بهره برد.

۳- استفاده و کاربرد: داده هایی که توسط تعامل کاربران با وب تولید شده است، مورد بررسی قرار می گیرد. این داده ها شامل شناسه کاربر، درخواست های کاربر، پروندها و خروج های یک سروز از سایت و... است. از نتایج این کاوش می توان برای بهبود ارتباط با کاربران، تجارت الکترونیکی و شناسایی مشتریان استفاده کرد. اینکه هر کسی معمولاً چه کلاهی را جست و چو می کند و به چه اطلاعاتی بیشتر علاقه مند است، می تواند در تعامل نتایج جست وجوهای او و موثر باشد.

امروزه داده کاوی به خاطر رشد فناوری اطلاعات و کامپیوتر و به اشتراک گذاشتن بسیاری از اطلاعات از یک سو و دنیای رقابتی و نیاز به روش های تحلیل پیشرفته از سوی دیگر، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. یافتن الگوهای در نایه داده کاوی می تواند بسیاری از شئون زندگی مارا علمی تر و بینهای کند: همانند وزرشکار رزمی کاری که با اعمال داده کاوی بر روی حرکات رقیب خود، تکنیک های او و چگونگی اعمال تکنیک هایش را از روی فیلم مسابقات او استخراج می کند و براساس این الگو به طراحی روش های مبارزاتی می پردازد.

با تکمیل نقصه زیوم انسان، که دارای تعداد بسیار زیادی ذن است، مجموعه عظیمی از داده های زیستی انسان های زنده به وجود می آید. کاوش در این داده ها می تواند منجر به شناسایی بسیاری از خطاها و عوامل موثر در زیست بشود، عوامل بسیاری از بیماری ها و خصوصیات وراثتی شود. می توان داده های زلزله هایی رخ داده را کاوید و نشانه های مشترکی که قبل از وقوع زلزله ها تعیین می شود را یافت تا شاید بتوان زلزله ها را پیش بینی کرد. در عرصه تجارت و اقتصاد می توان مناطق مناسب برای سرمایه گذاری را پیدا کرد. رابطه با مشتریان را مدیریت کرد (CRM) و خدمات مناسب به

یک، جلوش تا بینهایت صفرها

دهیم او می گوید: ما پازدده هزار می دهیم با یک اتومبیل . یکی دیگر: راننده و منشی هم می دهیم و بالاخره کسی که در مزایده پول بیشتر میدهد این آقای نابغه را به کارخانه اش می برد و می گوید: اینجا بایست و هر چه می گوییم بساز . و او می گوید چشم احیقت این است که این قرن ، قرن ازدواج علم و پول است. این دو که همیشه تاریخ خد هم بودند و حال با هم ازدواج کردند و فرزند نامشروع آنها ماشین است و مسلمادر این ازدواج معلوم است کدام آقا میشود و کدام عیال! این فرقه قرقه شد و امت قوم قوم و ما قطعه قطعه و هر قطعه لقمه ای چرب و ترم و راحت الخلقوم . سر عارابه خاک بازی ، به خون بازی ، غرفه سازی دسته بندی ، جنگ های زرگری ، بخت های می خودی فکرهای بوج و بوج عشق ها و گینه های می تصر و به دشمن ها عوضی بند کردند چشم ما با الای خواب کردند . فرنگی ها هم مثل مقول ها اندند و

سوختند و گشتند و بزدند و ... اما از قدرتا و ما با سرمان به خودمان بند بودو نخواستیم بیستم ، رایه جان هم افتد بودیم و تتوالیستیم بیستم سوختند و گشتند و بزدند و ... اما از قدرتا و ما با سرمان به خودمان بند بودو نخواستیم بیستم ، رایه جان هم افتد بودیم و تتوالیستیم بیستم و با اصلا برگشته بودیم به عهد بوق و بسودیم که بیستم اطلاع هایان را بزدند و ما را فرستادند دنبال عصر طلایی ، دنبال خود سیاه اهلیت ! ایش قبر مذهب تسب اول قبر حلال فراموشش کن زندگی و لش کن

بیش پدر شیعی قدیم جابر در کلاس پیامبر نزد امام حاذق رسیس مذهب شیعه درس شیعی فرامی گیرد و ۱۲۵۰ سال بعد تبد شیعیان اسام صاذق درس شیعی در مدرسه حرام می شود . ۱۲۵۰ سال پیش در جامعه اروپایی اندلس بن سوادی رایشه کن می کنند. هشتاد سال پیش اولین بار دسته ای از جوانان ما فتحه المغارب ایکارا کشف می کنند و هشتاد سال بعد امریکا بیرون جوان مارا ... چه بگوییم ؟ آنها بیدار شدند و مایه خواب رفتیم و کار ما! ایک دسته مان هنوز هم مشغول کشکنی های قدیم اند و تغییله اند و دنیا جه خبرها شده است . یک دسته هم که فهمیده اند دنیا دست کیست نشسته اند و مثل میمون تعشا می کنند و هر کار که آنها می کنند اداشان را در می لوئند و در چشم اینها فقط فرنگی ها ادم اند ! ادم حسایی اند چون پول دارند و زور دارند اینها می خواهند همه چیزمان را میمون وار با بیلورند؛

لهم وقتی فقیر میشه ، خوبیهاش هم خیر میشه اما کسی که زور با زر دارد هنر می بینند عیب هاش ، حرف حسای می شنوند جوند هاش ، اروغ های بیحاو نشرت بارش ، فلسفه و دانش و دین می فهمند ، حتی شوخیهای خنک و بسی ربط ادار خنده حضار را روده بر می کنند امتحان هم همین جوند زوی که ما مسلمانان پول داشتیم ، فرنگی ها از ما تقلید می کردند . اسلام های دانشگاههای اسپانیا و ایتالیا فیلسوفها و دانشمندان ای اروپا وقتی می خواستند درس بدهند ، قبل از اینها می کردند ، یعنی که ما هم بمواعی و زاری و غزالی ایم ! همون که باز استلاحهای دانشگاههای ما امروز تو جشن ها می پوشند تا خود را به شکل استلاحهای دانشگاههای اسپانیا و ایتالیا و انگلیس بیارایند ، یعنی که ما هم تسبیه کات و دکارتیم ! بین که لباده های خودمان را هم باید از دست فرنگی ها به تن کنیم اصنعتگرها می سینی در اروپا قلب که میگردند ، مارک الله را روی جنسهای خودشان می زندند یعنی که این ساخت اروپا نیست ، کار بلخ و بخارا و طوس و بغلادو شام و ری و محر و اسلامبول و ...

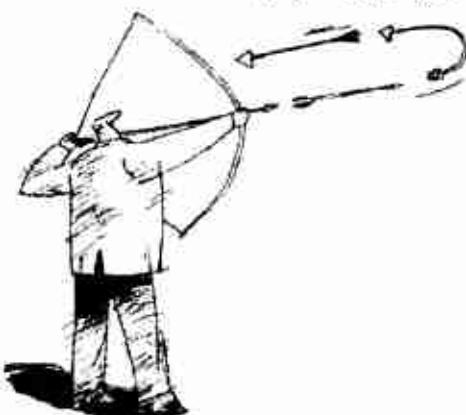
است . حتی روی حلب مارک الله می زندند ! جنگهای صلیبی که شد آنها افتخارند به جان ما ، ما افتخاریم به جان هم مسیحی ها و چهودها یکی شدند مسلمانها صد تا شدند ، سعی به جان شیعه ، شیعه به جان سنتی ، ترک به جان قاریس ، عجم به جان عرب ، عرب به جان ببر ، ببر به جان تاثار ... باز هر کدام تو خودشان کشمکش ، دشمنی ، بد یعنی ، جنگ و جدل .

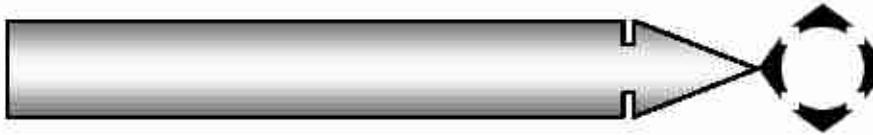
نهشجه جهان را جلوی خود بگذار ، از خلیج فارس یک خط بکش تا اسپانیا ، ازان جاییک خط برو تا چین ، این مظلت میهن اسلام بود : یک ملت ، یک ایمان ، یک کتاب ، حالا؟ اسلامانهای یک مذهب ، یک زبان ، یک محل ، توی یک مسجد هفت تا نهان جماعت می خوانند اتوی برادران جنگ هفتادو هشت ملت بر پاشد ، هر ملتی اسلام را رها گرد ، رفت به سراغ قصه های مرده و خرابه های کوهه . خدا را زیاد بزدند و خاک را به خاکش اورند . توحید توی کتابها سردد به شکل کلمات و شرک توی جامعه جان گرفت به شکل ملنقات . دکتر سریعی می گوید : بازار برد فروشی در آفریقا نیست که بازار برد فروشی در کمبریج ، هاروارد و سوریون است . آن هم نه عمله و کنیز بلکه بزرگترین نبوغهای بشری ! سرمایه دارها می ایند جلوی کلاس ، شاگرد اول و دومها را می گیرند و حراج مکنند . این می گوید : ما ده هزار تومان می

ضرر ب المثل های جهان و افغان زمین

او نادیده موزه راه آزادی کشیدن .
افغانی
قصاب که بسیار شد کاوش مرداری شد .
افغانی
ده تار کورا یک چشمها با جاست
افغانی
غم تاری بز بخر .
افغانی
سرزنه داشته ، کلاه بسیار است .
افغانی
بد خاطر نک کنک بوسن در نمی دن .
افغانی
شربک که از شربک جدا شود، دلش میخواهد که
شربکش از گشتنگی بصره .
افغانی
دل دروغ که نشد، داشته ده کلخ نیز میکند .
*
خوش اقبالی انسان را خوشحال می کند و بدجتنی
اور ابروگ می گرداند .
العلی
خروس نمی توکل از دوستی با رویاه بقع ببرد .
*
غیره
عیوب خود را فقط با جسم دیگران میتوان دید .
سوئیسی
قبل از عروسی هر دو چشمانت را باز کن بیس از
عروسی یک چشم را بند .
نگرویی
عاقل انجه رانمیداند نمی گویند، نادان نمی داند که چه
می گویند .
ترکی
کسی که انتظار آسایش دارد باید کر، کور ولال باشد .
*
ترکی
مرد دویکصد سال عمر نیکنم می شود ولی در کمتر
از یک روز بد نام می شود .
جیانی
علامت کمال محض این است که انسان ضعفها
وعیبهای دیگران را تحمل کند .
ایتالیانی
حقیقت و کل سرخ هر دو خار دارند .
اسپانیولی
حتی دل مزدهای دارد .
زانی
جون دوست، دشمن است شکایت کجا برم .
فارسی (افغانی)
چنانچه مزرعه حاصلخیز استراحت نکنندی حاصل
و عقیم می شود .
ارزتیانی
زایوری که نیش ندارد، عمل نمی سازد .
هلندی
جهان را ترک کن، قبل از آنکه جهان تو را ترک کند
العلی
خدا آدم را به حکیم و حاکم محتاج نکند .
افغانی
عیزه ایی - حسینی

استادهایان را، شاعر هایان را، هنرمندانهایان را فیلسوف هایان را زنها و مرد هایان را... و حتی بجهه هایان را! اینها فقط از یک چیز می ترسند از این می ترسند که ما درگیر از اینها تقاضید نکنیم . چطور می شود از اینها تقاضید نکنیم؟ کاری کنیم که بتوانیم خودمان یقینیم، آنها فقط از فهمیدن تو می ترسند . از تن تو هر چقدر هم قوی بیش نمی ترسند از گلوکه گشته تر نمی شی، می توشنت! از خود که قوی نمی شی، بارت می کنند از اسب که دونده تر نمی شی سوارت می شوند! اینها از فکر تو می ترسند اینه که بزرگهایی که فکر دارند باید به چیزهای می خود فکر کنند . بجهه ها راهنمایی باید جوری نار بیاورند که هر کاری یاد بگیرند و فقط فکر نکنند . بجهه هایی باید نو نوار، تر تمیز، جاق و جله، شاد و خندان اما ... از جه داده؟ از این راه که عقل بجهه هایان را از سرمه چشم بیاورند: با روش آموزش و پژوهش مدرن آمریکایی معنی و بصری اینها فقط چشم و گوشت کار گند . برای این که ان چیزهایی را که بیان می کنند و بینهایی می کنند نبینی برای این که ان کارهایی را که بیان کنی و بی معنی و بصری اینها هر چه می کنند و هر چه می اورند و می برند هم بینهایی است و هم بی صدا! عقل فرنگی به چشمش است به گوشش است به پوستش است چی می گیرم؟ عملش نمی شکمش است هنر زیر شکمش است عشقش فقط برشش لذت و آزادیش فقط از ارادی غارت است معاها را می خواهد میش کنه: شیرهون رو بدوشه پشمدون رو بچنجه بستهون رو بکنه دینهون رو بگیره دنیامون رو بچنجه زنامون رو بی شرم کنه مردامونو بی شرف دختر ایونو و عروسک پسر ایونو هر سک و بجهه هامونو معنی و بصری! اما نه بجهه های ما می فهمند! ایرانی هوش را در چشمها تند بجهه های برهنه حاشیه کوبیر نمی بینی؟ اری بجهه های ما همه چیز را می فهمند . جهان را همه چیز جهان را انسان را حوت را بچوچ را می فهمند . رادنی را آخرت را برای خود را برای خلق را برای خدا را حتی شهادت را و یک جلوش تا بینهایات صفر هارا!





اسدالله جعفری

ساییم و قالده بندگیش را حلقه گردن خویش من سازیم و قصه
را دات بر خوانیم همین ویس.

فاطمه در بعد انسانی بما هو انسانی تعالیٰ تنوینتر خود رسول
اعظم و شوهرش، امام اسم است و پر تارک قله تعالیٰ و تکامل
علم خلق افرادش و الگویی بیشای همه انسان‌ها می‌باشد و در بعد
زنگنی سورز زنان جهان هست.

اگر گاهی گفته می‌شود «فاطمه الکوی زنان است» این به این
معنا نیست که فاطمه الکوی مردان نیست، چرا که در بعد انسانی
و تعالیٰ و تکامل معرفتی و سلوب علی چیزی بنام زن و مرد
اصلاً موضوعیت ندارد انسان بما هو انسان با قلع نظر جست
و ملیت «مطرح است و در این بعد از خلت مردان و زنان به یک
اندازه و با یک معیار خلیقه و چانتین خدا در زمین هستند. اگر
جه تاریخ هیج زنی را به عنوان پیغمبر و رسول و صاحب کتاب
و دارای دین و شریعت معرفی نکرده است و خلفای تشریعی خدا
در زمین همه مرد بودند ولی این خلافت در مقام تشريع می‌
باشد و راز این را که چرا هیج زنی دارای کتاب اسلامی نشد
و یکی از رسولان و پیغمبران زن نیوهد؟؟ این همان چیزی است
که فقط خدا من داند و بس والا از نظر عقل بما هو عقل مرد بود
دن پیغمبران هیچ‌گونه روحانی و افضلیت ندارد و در متون
مذهبی و لوص قرآن هم مرد بودن پیغمبران یکی از شرایط
پیغمبری ذکر نشده لذا در متون مذهبی تسبیح و ظاهر مرجع
قرآن نه مرد بودن پیغمبران دلیل بر کمال و برتری مردان است
و نه زن نبودن رسولان دلیل تقصی و فرمایگی زنان و این راز
سو به مهربانی گردد به مثبت خدا در مقام تشريع و تکوین
وراز سر به مهربانی گردد به قول اسان العجب حافظ:

حدیث از مطرب و می گوو راز دهر که تر جو

که کس نکشود و نکشاید به حکمت این معماری
حال باز گردیدم به اصل سخن گفتیم فاطمه در بعد انسانی
الکوی امام همه انسانها است و در بعد جنسیت زنانگی الکوی زنان
یعنی مردوزن با توجه به نوع جنسیت و گروه حشتنی خود دارای
یک سری وظایف و کار کرد های ویژه به خود هستند که نه مرد
من تواند عهده دار و خایف زن گردشونه زن من تواند کار کرد
های مرد را تقبل کند و سامان بخشد و این عدالت در نظام
احسن خلت من باشد و ادعای فیضیت ها «برابر خواهی در
همه وجه خلت و کار کرد های فزیکی و روانی زن و مرد» سختی
خلاف عقل سليم و قطعیت و نظام افرینش است بله در بعد
انسانی این ادعای حق است.

با بر این از انجایی که فاطمه یک زن است به عنوان زن
«الکوی رقتاری زن در بعد اسمایری ۲- در نظام خانوادگی
و همسر داری ۳- حضور با عدم حضور در اجتماع و کارهای
سیاسی... می‌باشد.

بانو، کمی احساس درد کرد، فهمید این درد مقدمه یک رستاخیز
دیدگرد رزندگی مستتر ک او و «امین» فربیش است. لبخند زد
و زمزمه گردا: «وعده خدا محقق می‌گردد» کمی بعد به
خود آمد و نگاهی به اطراف خود گرد و خانه را در آرامش مرموز
یافت و خود را تنها نهاد.

امین رفته بود تا بام را ابلاغ کند و علی نوجوان نیز رفته بود که،
معن این باشد و رسیم رهبری و قیادت امور.

بانو تنها ی تنهای بود و در دهل لحظه پنجه های خود را در لامای
پیکر تحریف بانو عمق می‌بخشید. بلند و دست را روی زمین
گذاشت، نیم خیز از جایلند شد اما از درد امتنان نداد، بانو دست
و دست را دور گمر حلقه کرد و دست چپ را بر سینه دیوار
چسباند و ندان ها را روی هم قفل گرد و خواست باند شود و لی
زانو اش بارای حرکت نداشتند. بانو بقین کرد که دیگر تلاش
بهبوده است. جایه حاشیت ویشت به دیوار تکه دلا و کتاب
اندیشه گشود و واژگان چاره می‌جست.

امین و علی نوجوان رفته بودند و خانه لباس را بر تن داشت
و سکوت در شکوه خدای می‌رسید و باومهان درد بود
و همراه تنها.

بانو زمزمه گرد «چکار کنم چکار کنم؟ خدا، کمک کن کمک
کن کمک... برای لحظه چشیده باشد و دریجه ذهن دایار
گرد و به نقطه‌ی خیره شد. ارام ارام هارا باز گرد
و نگاهش را در فضای مهتابی اطرافش چرخاند. وای خدایم چه
می‌بینم؟ خانه غرق در نور است و این همه بانو سفید پوش از
کجا آمده اند و که هستند؟

بانو، کمی جایه جاشد. خواست سوال کند شما که هستید؟ زن
سفید پوش بلند بالای گندم گون و بیوسته ابرو و سیه جشم
دست روی شانه اش گذاشت و گفت من میریم مادر عیسی و این
اسیه و ایان حوران بهشتی اند. آمده ایم که در نولد
«حورای» کوئین، «زهره» فرقان، «ربحانه» رسول انس و جان
یاریتان کنیه و مفترخر به پرستاری فخر عالمیان گردیدم.

اوی این گونه بود که فاطمه در دلخان خیجه اولین مومین به
دین محمد اخی از اده شد و سوره کوثر تفسیر شده عینیت یافت.

نه توان علی ما آن اندازه است که از مقام عالی بشری الی و
الهی بشری فاطمه سخن گوییم و نه آینه جان را در شب های
شیدای «غسل معرفت» دادیم تا قبیستان روی نیکوی فاطمه
باشد و نه خطی از ابروی بار بر لوح دل نگاشته ایم تا سطر
و شطری از «صحیفه عرفان» صحیفه طاهره وزهره ای مرضیه باز
خوانیم پس سخن گفتن از عرفان، برهان و قرآن فاطمه را به
ایدال زمان و کصل از غلایی زیان دان حقیقت محدثیه
و سراسرار علوی و بارسلان عاقل و عاقلان بارسا و ای گذاریم
و چون سگ اصحاب کهف سینه ادب بر در ولایت فاطمه می-

می بیم که فاطمه در سن ۱۱ یا ۱۲ سالگی وارد خانه علی می شود علی که فقد یک شمشیداره و روح بلند و پر غرور بود به لطافت شیوه و احساس پرمرز و راز، فاطمه بسیار زود موقعت خود و شوهر را در یافت و خود را برای یک نظام همسوداری آماده کرد که شوهر مزد جنگ است و همسر باشد شرایط زمانه و وضعیت روانی و نیازهای عاطفی شوهر را دریافت شرایط پرهیجان و تند دوره انقلاب درونی شوهر را در یافت وطبق مقتضیات آن شرایط شوهرداری را آغاز کرد و خانه را برای علی جنگ اور جان محیط فرجخشن و پر عاطفه کرد که وقتی علی لا میدان جنگ بال خستگی جسمی و تاثر روانی به خانه بر من گشت و فاطمه تمام گلبرگ های لیان خدا خوانش را در باغ نگاه خدا بین علی میمان می کرد تمام خستگی... میدان جنگ را فراوش می کرد و خود علی از آن دوران جنین قصه می پردازد فاطمه انجنان کارهای خانه را بیکو انجام می داد و این چنان برخود مناسب می کرد که هر گاه بالا فاطمه مواجه می شدم تمام غمها و غصه هارا فراوش می کرد و قلبم تکین می یافت مناقب خوارزمی ۲۵۶ صفحه الکترونیکی مسلمان ص ۱۶.

حضور یادمن حضور زن در امسال اجتماعی و سیاسی

زنگی کوتاه خانواده به دو بخش تقسیم می شود دوران پایدار دوران بعده زن در دوران پایدار یا به یاری رسول خدار حجت های هول اور وظیفان خیز تهافت و جهاد و مبارزه جه در دوران رفع اور مکله وجه در دوره پرهیجان مذیته حضور مادر و هدایت گرانه داشت در میدان های جنگ حاضر می شد و بازنان مسلمان به محرومین جنگ کمک می وساند... در بخش دوم نیز در دفاع از ولایت شوهر یک آن هم خاموش نشست شبها بر در خانه های صحابی پیغمبر می رفت آنان را به دفاع از ولایت علی دعوت می کرد و سرانجام آن حرکت تاریخی و آن خطیبه بیان ماذنی را در تاریخ به امتداد سپرده و باوصیت خود مبتنی بر نامعلوم ماندن سزاوش تمام قیلسوفان سیاست را تحریر ساخت و در تمام این حرکات و تدبیر های اجتماعی و سیاسی فاطمه درس های عالی یاری زن و زنان مسلمان تهفته است الکتوی معروفی و فرهنگی

فاطمه ملتقاً سنت و در نسیم

قبلاً گفتیم که مقام عرفانی فاطمه را به کمل از اولیاء زبان دان و امی نهیم و در بعد فرهنگی و علمی فاطمه (مع) به یک گزارش کوتاه بسند می گفتیم علی (ع) اروایت کرده اند: «باعده ای از اصحاب در حضور رسول خدا (ص) ابودیم احضرت سنوال کرد: چه روشی برای زنان نهشترین روش خواهد بود؟

هر یک از اصحاب جوانی دادند که هیچ کدام مورد قبول رسول خدا تبود ما پر اکننه شدیم به خلیه امدم موضوع را با فاطمه در میان نهادم. فاطمه فرمود: خیر للنساء ان لا يربين الرجال ولا يراهن الرجال وسائل الشيعه ج ۱۴ ص ۳۶۵ محدثه البیضاوی ج ۲۱۰ فاطمه الکتوی زن مسلمان ص ۱۵۲ بهترین

مانند نموده فاطمه از طرف پدر ملقب به امی اینها شد و این مغلوب نشان می دهد که فاطمه در بعد مادری عاطفی دلایل جه موقعت و جای گاهی رفع بوده اند دوران کوتاه مادری زهرا در خانه علی نیز حکایت از مقام والای فاطمه در نظام خانوادگی و مادری دارد. با آن که فاطمه «معتای متعارف و محصلح» دوران مادریش بسیار کوتاه بود و بسیار زود از این خاکستان و محنت کده به سرای باقی شافت و تاریخ و تشریف از تجزیبات و تعیینات مادری زهرا اینکوئه که پاید و تاید پهلوه بزند بودند و محروم شدنی دلیل با همه این کوتاه بودن عمر زهرا او به عنوان یک مادر دختر مانند زنی پیشوای جوان مردان و پسران جون حستین بو ایت عظمی حق را تجویل جامعه بشری داده است و این سر مایه عظیم تاریخ پسری در نظام خانوادگی و مادری می باشد

فاطمه به عنوان یک همسر

تنظيم خانواده و این همسرداری از اندیشه های بین‌النیان جامعه شناسی خانواده در در قرن حاضر است و در دنیای غرب آموزش خانواده در شاخه های مختلف آن در رسانه های جمعی و هم‌اکثر آموزش عالی کشانده شده بگوئه که در مراکز آموزش عالی مثل دانشگاه ها واحد درس آموزش خانواده و مخصوصاً «فن شوهرداری» وجود دارد و مطبوعات و رایبو و تلویزیون نیز بر نامه های ویژه آموزش «فن شوهرداری» را در سقطات و پیزه و در بیشترین ساعت که بیشترین بیننده را در اندیشه ایه می دهد مکتب اسلام که مکتبی است مطابق با این های اساسی فطرت و نظام احسن خلق است در ۱۴۰۰ سال و اندیش قبیل که غرب در پژوهیت مطلق و بسیار از مدلیت زندگی می کرد و دید گاهش نسبت به زن و خانواده یک نگاهی ایزاری و پهلوه کشی جنسی بود و خبری از ادعاهای پر مطمئن مدرنیسم و پست مدرنیسم نبود و اندیشه های افرادی قمتمیم در عالم لطفه تکونیت ناقته بود و کتوانیسیون رفع بعض همه جانبه علیه زنان در دنیای اندیشه عینیت نداشت اسلام غذیز نوجه و پیزه به مسئله خانواده و «این شوهر داری» داشت بگوئه که «فن شوهرداری» را جهاد نماید «جهلا المراه حسن الشعل» (وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۳۶۵ روشه المتنین ج ۱۴ ص ۳۶۵ جهاد زن تیکو شوهر داری کردن است)

زبان روابط واقعاً زبان علمی و تربیتی است (از اینجا که در این مقاله تابع تفصیل ایست قصد اشاره می کنیم که) «جهاد»، «جهد» و «اجتهد» از یک ماده وریشه هی باشد و در «جهلا زن تیکو شوهرداری کردن است» یعنی تدبیر آنها و عقلانی قوام دهنده نظام خانواده است و عقلانیت «در این شوهرداری» محصول اموزه های اسلام است نه جامعه شناسی خانواده و جامعه شناسی ارزشها در قرن بیست

اما داستان شوهرداری فاطمه بنت بالا و پرداخته دا رندورس های عالی تربیتی دارد (قبض و بسطاً بیشتر طلب خواند گان عزیز باشد) یک نگاه اجمالی به شیوه شوهرداری فاطمه در



ومن در نسیم و به این معنا فاطمه ملتقای سنت و من در نسیم است

ازدواج یعنی همین!

شاغردی از استادش پرسید:

"عشق چیست؟"

استاد در جواب گفت: به گندمزار برو و پر خوشید ترین شاخ را بیاور.

اما در هنگام عبور از گندمزار به پاد داشته باش که نمی توانی به عقب برگردی تا خوشید ای بچینی؟

شاغرد به گندمزار رفت و پس از مدتی طولانی برگشت.

استاد پرسید: چه آورده؟
و شاغرد با حسرت جواب داد: هیچ! هر چه جلو میرفتم خوشید های پر پشت تر می دیدم و به امید پیدا کردن پر پشت ترین تا انتهای گندمزار رفت.

استاد گفت:

عشق یعنی همین!

شاغرد پرسید: پس ازدواج چیست?
استاد به سخن آمد که: به جنگل برو و بلندترین درخت را بیاور.

اما به یاد داشته باش که باز نمی توانی به عقب برگردی!

شاغرد رفت و پس از مدت کوتاهی با درختی برگشت.

استاد پرسید که شاغرد را چه شد و او در جواب گفت: به جنگل رفت و اولین درخت بلندی که دیدم انتخاب کردم. ترسیدم اگر جلو بروم باز هم دست خالی برگدم.

استاد باز گفت:

ازدواج هم یعنی همین !!

روشن برای زن آن است که بیندون عذر مرد ناخرم را نیست و مرد ناخرم نیز اورا نیست

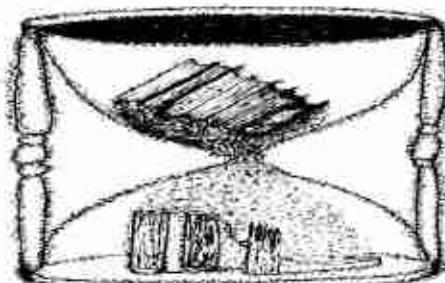
شرح و تفسیر شایسته و بایسته این کلام عرضی آن عرض نشین علم لدنی، حوزه ای نبی و حصر از علی مجال دیگر می باید و حاصل قلم و قهرمان اندیشه ای دیگر می طلبد و این سگ در ولایت فاطمه را ان اهلیت در خور نیست و اما بطوط مختصر این کله:

تعارض و تعامل سنت و مدرنسیم از بحث هی برو چالش و دامنه دار در جهان شرق و دنیای غرب است و هر کدام نیز طرفدارانی دارند و از جمله همین کلام بلند معنای فاطمه را می توان به عنوان ملتقای سنت و مدرنسیم بر شمرد و جهان که می توان همین سخن را به عنوان فصل الخطاب تعارض و تافق سنت و مدرنسیم رقم زد طرفداران تناقض و تعارض می نوانند استدلال کنند که این کلام به عنوان سنت از ماضی خواهد که زن بیور از اجتماع و در اینروای مطلق باند و مدرنسیم عکس این را می طلبد پس این دو مانعه الجمع می باشند و ظاهر حق با اینان است

اما طرفداران تعامل بین سنت و مدرنسیم می نوانند یکوئند که زندگی فاطمه زهرا با ظاهر این تفسیر از کلام عرضی فاطمه در تناقض است چرا که فاطمه در زندگی خود به عنوان یک بانوی کاملاً اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ظاهر شد در کارهای عام المنفعه شرکت داشت در جنگ ها به عنوان پرستار حضور یافت و تطهیر ترین خطبه سیاسی و فرهنگی و پر رسانی و عرفانی را در تاریخ فلسفه سیاست... خلق کرد.

پس منتظر فاطمه نمی نواند اینروای مطلق زن از اجتماع باشد و با توجه به افراط و تغییر که در حضور عدم حضور زن در کارهای کلان اجتماعی و سیاسی وجود دارد در می باید که این کلام عرضی فاطمه یک تئوریه کاملاً علمی و کاربردی در عصر حاضر است می نوانیم بگوییم که فاطمه فرموده زن باید به این حد از استقلال علمی و فرهنگی و سیاسی برسد که دیگر بیاری به دیدار و ملاقات مردان ناخرم نماند

کلام آخر این که از همین کلام خالی فاطمه قسروت تشکیل سازمان های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و پژوهه زنان توسط زنان را در می بانیم تا جان ساز مان های حسنه بتواند به دفاع از حقوق زنان بیون اختلاط مرد و زن قیام کند و اگر چنین ساز مان های حسنه پذید آمد کلام فاطمه تحقیق باقه و زنان مردان را لئن بینند و مردان زنان را وان است تعامل بین سنت



به بیانه سوم جوزا روز ملی معلم در افغانستان :

مراسی



ناراحت شدند و فکر کردند مردمی که زجر دو دهاله را به نام دین کشیده بودند بایستی از سیاست دینی بیزار شده باشند. اما دیدیم که مردم و تمایندگانشان علی رغم تهدیدها و تحریمها تصريح کردند که هم دین مردم و هم دین حکومت افغانستان اسلام است. سیاست دینی بستری است برای شکل گیری آنون: مردم سالاری و شایسته سالاری وقتی این دور بستر سیاست دینی مطرح می شود. خاص خود را دارد و معنی بخصوصی را پیدا می کند. مردم سالاری به معنای اینکه همه مردم یک کشور که به سن تکلیف رسیده اند باشد در امور سروشوست ساز خالق و مشارکت آگاهانه داشته باشند و مقصود از شایسته سالاری این است که اگر مردم مشارکتی دارند فریادی کنند همان طور که علی اعلان از جار و نفرت کرددند و این از جار همگانی بود که اراده مردم را متنبلور پخشید در قالب جدید. یعنی از بین افراد جامعه متخصص ترین و دلسویزترین و خدا ترس ترین و دین توست ترین قید را پیدا کنند و در رأس امور بگمارند زیرا افرادی با این شایستگی ها من توانند در خدمت مردم باشند و برای مردم کار کنند. مردم مسلمان می دانند که نخستین رهبریان پیغمبر (ص) ۳ شاهزاد روز از نان گندم سیر نشد چون به حال مردم می تپید و تمایندگان مردم باید از حضرت علی (ع) الکو بگیرند. امکان ندارد که خود در سایه نظام آموزشی تربیتی دین چنین بستری قراهم اید؟ معلمی که تعلیم کتاب می دهد و هم تعلیم خدمت می توانند باش این تقاضای عمومی را در افغانستان بدهد. می توانیم به تعلیم دسترسی پیدا کنیم که اساس این امنیت تشکیل می دهد. پس خواست نسل امروز افغانستان از معلم چنین دیدی است در هر سطحی که تدریس می کنی اگر چنانچه شاگرد را به آسمان بیوند دلایلی می توانی شاگردی را تربیت کنی که دلسویز و خدمتگزار باشد. ولی اگر شاگرد منی تربیت کنی کاری جز کار همگان را پیشنه خود توهین کرد. خلفت و لذت طلی و معیشت هدف است. سوال اینجاست که آیا مسو لان معلمین داشگاهیان و حوزه های مایوس از تصویب قانون اساسی بدبیال تحقق این هدف رفتند؟ هیچ میز گرد و سمنواری تشکیل نداده ایم که شاخص های دینی را در تعلیم و تربیت تعریف کنیم؟ پس از سخنرانی آقای سجادی دکلمه زیبایی توسط خانم محبوبه نوری اجرا شد. بدبیال آن سر کار خانم زیتا حیدری به ایجاد سخنرانی پرداختند. ایشان پس از خوشبادگویی به سر کنسول محترم روحانیون حضار و معلمین، در مورد عظمت نقش معلمی در نظام تعلیم و تربیت صحبت کردند: معلمی ستون استوار نظام تعلیم و تربیت و کلید

بزرگداشت روز معلم در تاریخ ۱۷۸۴/۲/۲۱ در حسینیه هراتیها برگزار گردید. محل خوب و سمیعانه ای بود. مدیر مستول محترم از من خواستند که علاوه بر حضور در مراسم به تهیه گزارش از مراسم تیز پیروزدارم. با وجودیکه قرار نبود مراسم را س ساعت ۳ برگزار شود. طبق معمول تعامی مراسم های افغانیه متأسفانه در ساعت ۴:۵ شروع شد. البته ناگفته نماند که همه ما این قانون اعلام نشده را پذیرفته ایم ونا خودآگاه به آن عمل می کنیم هم به عنوان دست اندر کاران برگزاری مراسم که عقیده مان بر این است یک ساعت زودتر اعلام کنیم تا در این فاصله مهمانها بر سند و هم به عنوان مهمانانی که در چنین محلی شرکت می کنیم و توجهه تان این است که خب دیرتر بر پیویختایک ساعت دیرتر شروع می شود. محروم اتفاقی رضایی از معلمین کوشا و فعلی بودند که در ابتداء به لزانه مقاله ای پیامون مقام معلم پرداخت. جناب سرکنسول و هیبات همراه ساعت ۴:۱۰ دقیقه تشریف اوزاند. نکته قابل توجه دکور زیبا و مناسب مراسم بود مخصوصاً تابلوی زیبای یانماد بروانه و شمع که جلوه خاصی به محل بخشیده بود. اولین برنامه تلاوت آیاتی از قرآن توسط قاری بین العلی اتفاقی استاد قلاح بود. سپس پخش سرود ملی و قیام حضار که دل همه افغانیهای حاضر را سهاراز غرور و افتخار دهن کرد و نا خود آگاه امید دیدار وطن را در دلها زنده می نمود. برنامه بعدی سخنرانی آقای محمد عارف حسینیه تمایندگی از برگزار کنندگان این مراسم مدرسه تربیت اسلامی، انجمن فرهنگی تبلور اندیشه، موسسه آموزشی زمان، کانون فرهنگی خاتم الانبیاء و آموزشگاه شهید مباری) بود که روز معلم را به تعامی معلمین حاضر در مجلس در داخل کشور و تعامی جهان تبریک کنند و از همکاریهای دلسویانه جناب آقای اعتبار سر کنسول محترم تشکر و تقدیر نمودند. هم چنین از حمراهها و مساعدتیهای موسسات خوبه شهداد و امام جواد (ع) تشکر کردند. بعد از سخنرانی ایشان حججه الاسلام و المسلمين سید ابراهیم سجلای به ابراد سخنرانی پرداختند: در قسمت تلوی سخنرانیان در مورد وظیفه مقدس معلم صحت گردید. روز معلم را به همه معلمین مسلمان و انسان دوست تبریک گفتند. و اظهار امیلواری گردند که روزی جامعه ما قادر این وظیفه انسانی - الهی را بشناسند و بالهایم گیری از سخنران مولای متقلبان (من علمی حرفاً فقد سیری عیداً) این شغل را مورد تایید و تشویق قرار دارد. در ادامه از انتظار نسل امروز افغانستان از معلم صحت گردند: وقتی که میاست دینی در قانون اساسی به تصریب رسید دنیا از انتخاب مردم افغانستان تعجب کرد و خیل ها هم

لیست که رححات و جانفشنایهای آنها را ادا دیده بگیریم و یکسره مجاهدین و رزمندگان را محکوم نمائیم چون با مجاهدتهای آنها کشور آزاد نشد. علماء و روحانیون ما همیشه نقش مهم در سرنوشت کشور داشته اند در حال خلیفه که بازسازی کشور از مهترین و ضروری ترین مسائل است باید روحانیون ما حکم جمله بازسازی را سردهند و در کنار مردم باشند. گرچه در افغانستان علماء با سودا کم حضور دارند ولی روحانیون مادر دل مردم جای دارند و امروزه کشور احتیاج به علماء با سودا و تحصیل گردد دارد که ایشان است علماء تحصیل گرده و با سودا به کشور باز گردند و در بازسازی کشور با مردم مشارکت داشته باشند. امروزه عده ای

در کشور سعی دن ارام کردن کشور دارند و من خواهند که به اختلافات و اشیویو تفرقه هاده این ترتیب اینها دشمن ملت هستند و دشمن نمی خواهند که در افغانستان ، صلح و ازامش و امانت برقرار باشد. خلیل از افراد در مراکز خارجی استخدام می شوند من از این افراد می خواهم که در ازای استخدام در این مراکز به ملت خوبیش پیش نکنند و آرمانهای ملت را بایصال نکنند. بسیاری از نشریات مطالیه راسی نویسنده که خلاف واقع است. مردم آگاه باشند و به اینها توجهی نکنند. مجلات ، روزنامه ها نشیره ها هر چه می خواهند نتویستند مخالف نوشتن نیستم ولی حقیقت را بنویسد با بخل و غرض خویسید. سر کنسول در ادامه گفتند: در مدتی که در مشهد هستم با بسیاری از جمع های فرهنگی آشنا شده ام با موسسات آموزشی فرهنگی و جمهوری دانشجویی که این خود با یه امپواری است. بسیاری از این مراکز مشکلات خود را باما در میان گذاشته اند و من به نوبه خود به وزارت کشور نامه داده ام که وزارت از طریق کاتالوگی خود در حل این مشکلات بکوشند و فکر من کنم که بیکاری تیاز دارد و باید شخصاً برای رسیدگی به این مشکلات به کابل سرمه و البته من در اینده نزدیک عازم داخل کشور و کابل هستم. اهداء جوانز به مدیران مدارس[تربیت اسلامی، انجمن فرهنگی تبلور اندیشه، موسسه آموزشی زمان، کانون فرهنگی خاتم الانبیاء و آموزشگاه شهید سراجی] که بایان بخش محلی بود در حاشیه مراسم بسیاری از مهتمان از تاخیر در شروع برنامه ها گله مت و شاکی بودند. چند تن از مهتمان از طولانی شدن مراسم شکایت داشتهند و اظهار خستگی و کسالت می کردند. بخش اهدا جوانز زیادی طولانی بود و بهتر بود از هر مدرسه به چند تن از معلمین به نمایندگی ، تقدیر نامه و جوابز لهدامی پایان

ام الـ
بن مبرزاـ

فتح اینده است و مهمترین عامل در رشد یک کشور نظام اموزشی آن کشور است. زنان قابلیت ها و استعدادهای بیشتری چهت معلمی دارند و برای این شغل مناسب تر هستند به واسطه صبر و حوصله ای که دارند. از مهم ترین مشکلات در نظام آموزشی ما کمبود معلمان مسلکی و معلمان عدم دسترسی به منابع و کتب آموزشی جدید عدم جاذبه های کافی برای معلمی سعادت ناکافی چهت معلمین سطح سوال یافتن معلمین و ... هی باشد. انگیزه برای شغل معلمی کم می باشد به علت در آمد کم. معلمین کار در انجوهای رانجیج می دهند به کار معلمی، ایشان در بخشی از سخنالشان گفتند: آیا معلمیتی که تعليمات درست ندارند، من توانند شاگردان درست تربیت گنند؟ او پیشنهادش این بود که دولت معلمین مبارزه نشسته را به خدمت بگمارند تا زمان تعلیم ترسوی معلم مناسب و کافی . از دیگر جالش هایی که در زمینه جذب نیروهای آموزش دیده در تعلیم و تربیت وجود دارد، عدم تایید مدارگ تربیت معلم نوسط مستو لان کشور می باشد که باید در زمینه مستو لان توجه و دلوزی لازم را میلول نمایند و در حل این مشکل بکوشند. پس از سخنرانی ایشان جناب اقامی اعتبار سو کنسول محترم به ایجاد سخنرانی پرداختند. در ابتدای صحبت شان خطاب به جمع حضار و معلمین خاصر روز ملی معلم را تبریک و تهنیت عرض کردند و ادامه دادند: وطن داران عزیز و قنی که در برایر ملت شهید بپرورد افغانستان قرار می گیریم نمی دانیم که از کدام دردشان شروع کنیم و چیزی که در حد صبر و حوصله و استقامت تماالت عزیز است در مورد شرایط گذشته و فعل کشور صحبت هایی دارم. کشور ما با توجه به موقعیت هایی که دارد همواره مورد تجاوز قرار گرفته است . از علی تهاجم به کشور؛ رسیدن به آیهای گرم دیشنبی با مقدسات مردم افغانستان شکنجه مردم و تأمین مسافع متجاوزین می باشد . این تجاوزهای خشم هایی بزرگی برویک کشور مادر دارد گردد است که تعلیم و تربیت نیز از این خدمات مخصوص نماینده است . مشکلات تحصیل در افغانستان بسیار زیاد است . و امید است که با کمک های سین الطی و همت خود مردم صدمه ای که بر بیکر تعلیم و تربیت وارد شده را جبران نمایم. با تشکر و تقدیر از رححات مردمیان و معلمان عزیز مهاجر، می خواهم که مشکلات خود را با مادر میان بگذارند در حد شوان خود برای حل مشکلات این قشر تلاش می کنیم و ز بر میم میم سوم جوزا روز معلم را از جانب خود و از جانب دولت جمهوری افغانستان خدمت شما معلمان عزیز تبریک می گویم . با تقدیر از مجاهدین جان بر کف که با سالها جهاد و با داشتن سواد کم با غیرت و شرفشان افغانستان را حفظ کردند و درست

بیماری وبا چیست؟



علائم ، مراحل ، چگونگی انتقال ، و اقدامات و توصیه هایی برای کنترل وبا

«وبا» به عنوان نخستین بیماری تهدیدکننده سال ۸۴ در ایران در حالی تا کنون ۱۹۹ تن را مبتلا کرده است که طبق اخیرین آینده گزارش شده در کشور در سال ۷۷، ۱۱ هزار تن را از تمامی استانهای کشور مبتلا کرده بود. همچنین در سال ۷۸ حدود ۱۰۰۰ مورد ابتلا به وبا تایید و طی ۴ سال اخیر نیز به طور متوسط ۱۰۰ مورد وبا در کشور گزارش شد.

از سویین دیگر آخرين موارد گزارش شده آينده می وبا در جهان به سال ۱۹۹۲ ميلادي بازمي گردد که در بینگلادش و جنوب آسيا و سال ۱۹۹۴ در زير شماري را مبتلا کرد. «وبا» از بیماری های عغوني قدیمي است که تا کنون ۷ مورد پانديمي در جهان ایجاد کرده است و عباندي اویله وبا که از قرن ۱۹ آغاز شده و تا قرن ۲۰ ادامه داشته. با بیوتیپ کلاسيك بوده است.

آخرین پانديمي وبا در سال ۱۹۶۱ ميلادي و با بیوتیپ جدید التور بود. اين در حاليست که شناسايي التور به سال های دور برمي گردد، ولی يروز آن در سال ۱۹۶۱ و در آخرين پانديمي وبا بوده است.

«وبا» از بیماری های يومي ايران محسوب می شود و فردیک به ۴۰ سال است که در کشور ما وجود دارد، به طوری که قانون مصوب سال ۱۳۲۲ مجلس ايران، بيشكان را ملزم کرد تا در صورت مواجهه با اين بیماری موارد را فورا گزارش کنند.

و باي التور نيز يك بیماری خاد اسهالی و عامل آن «ويبرويکلا را التور» است که منحصر انسان را مبتلا می کند. اين بیماری به شدت مسری است.

متلايان به وبا نيازي به قرنيطنه ندارند: متلايان به وبا نيازي به قرنيطنه ندارند. بر اساس قانون سازمان بهداشت جهاني تنها ۴ بیماری «طاعون»، «تب زرد»، «سارس» و «آبله» نياز به قرنيطنه دارند. و با يك تهدید جدي است

بیماری وبا يك تهدید جدي است که با توجه به وضعیت

عالیه آن روز است. شدت عالم بیماری به سرعت و مدت از دست رفتن مایعات بستگی دارد: وبا در ای ای مرحله آنست:

الف: مرحله تخلیه ای: بیمار ناگهان دچار اسهال شدید، بدون درد و آبکی می شود که به دنبال آن استفراغ روی داده و مدفعه نمای آب برنجی دارد.

ب: مرحله کلابس: به دلیل کم آب بدن بیمار به مرحله کلابس وارد می شود و به صورت یا یعن افتادن فشار خون، نیف خیلی ضعیف، شکم فرو رفته، دست و پای خیلی سرد قطع ادرار و ... نهایان می شود.

ج: مرحله بهبودی: اگر مایعات بدن بیمار جبران شود فشار خون بیمار رو به افزایش می رود و عالم حیاتی ترمال شده و بیمار از مرگ حتمی نجات می باید:

راه انتقال:

انتقال وبا از انسان به انسان از راههای زیر صورت می گیرد: آب (لوده به مدفعه) (منابع آب بدون نظارت) شامل: استخراجها و ... آشامیدنی و خوارکن (لوده)، شایان ذکر است خودنی و آشامیدنی آب (لوده) با همه گیری و با رابطه مستقیم دارد تبرید ادن کودکان با بطريق یک عامل خطر چشمکير برای خورندها آن است.

اقدامات و توصیه های وزارت بهداشت برای کنترل وبا

شستن دستها با آب و صابون و ضد عغوني سبزیجات از راههای پيشگيري از وبا. شستن دستها با آب و صابون مایع، ضد عغوني کردن مهمنترين موادرین بهداشتی و استفاده از آب آشاميدنی سالم مهمترین موادرین بهداشتی برای جلوگيري از وبا است.

متلايان به وبا نيازي به قرنيطنه ندارند:

متلايان به وبا نيازي به قرنيطنه ندارند. بر اساس قانون سازمان بهداشت جهاني تنها ۴ بیماری «طاعون»، «تب زرد»، «سارس» و «آبله» نياز به قرنيطنه دارند.

و با يك تهدید جدي است

بیماری وبا يك تهدید جدي است که با توجه به وضعیت هوا، امکان آينده شدن (همه گيری) آن زياد است.

علاوه: دوره پنهانی وبا از چند ساعت تا ۵ روز بوده و بطور معمول

در باع قدم زد پیرمرد اورا بزید و گفت: لایدیه الیشه ای که رهسپار رسالت خود بیشی سالک چندی به فکر فیورقت و گفت: عقل فرمان رفتن من دهد امادل اطاعت نکند پیر مرد گفت: به فرمان دل روزی دگر بیان تا کار عقل نیز سرانجام گیرد سالک روزی دگر بماند پیر مرد گفت: لاید امروز خواهی رفت، افسوس که مارانها خواهی کانست سالک گفت: ندانم خواهم رفت باله، اما عقل به سرانجام رسیده است. ای پیرمردم من دلخاتنه دخترت هستم و خواستگارش پیر مرد گفت: با اینکه این هم فرمان دل است اما بخداه یاسخ گویم سالک گفت: بر شنیدن عی تایم پیر مرد گفت: دخترم را تزویج خواهم کرد به شرطی سالک گفت: هر چه باشد گردن به راه راست گردانی تا خدا از تو و ما خشنود گردد سالک گفت: این کار بسی دشوار باشد پیر مرد گفت: آن گاه که تو را دیدم این کار سهل می نمود سالک گفت: آن زمان من رسالت خود را انجام می دادم اگر خلاائق به راه راست می شدند، و اگر نشند من کار خوشنود را به تمام کرده بودم پیر مرد گفت: پس تو را رسالتی نبود و درین کار خود بوده ای سالک گفت: اری. پیر مرد گفت: اینک که بادل سخن گویی کچ کرداری را هدایت کن و باز گرد آنگاه دخترم از آن تو سالک گفت: آن یک نفر را من بر گزینم یا تو؟ پیر مرد گفت: پیر مرد ای است و با خوار که در گلر دکان محقری دارد و در میان مردم کچ کردار او شهده است سالک گفت: پیر مرد که عمری بدین صفت بوده و به گناه خود اصرار دارد چگونه بادم سرمه من است گردد؟ پیر مرد گفت: تو برای هدایت خلقی می رفتی سالک گفت: آن زمان رسم عائشقی نبود پیر مرد گفت: نیک گفتی، اینک که شرط عائشقی است برو به آن دیار و در احوال مردم نیک نظر کن، می خواهم بدایم جه دیده و چه شنبده ای؟ سالک گفت: همان کنم مه تو گویی سالک وقت، به آن دیار که رسید از مردم سواغ پیر مرد را گرفت مرد گفت: این سوال را از کسی دیگر میرس سالک گفت: چرا؟ مرد گفت: دیری است که تو به کرده و از خلاائق حلالیت طلبیده و همه تروت خود را به فقراده و با دخترش در پانی روزگار می گذراند سالک گفت: شنبده ام که مردم این دیار کچ کردارند مرد گفت: تازه به این دیار آمده ام، آنجه تو گزین ندانم. خود در احوال مردم نظاره کن سالک در احوال مردم بسیار نظاره کرد. هو انکس که دید خوب دید و هر آنچه دید زیبا، برگشت دست پیر مرد را بوسید پیر مرد گفت: چه گذی؟ سالک گفت: خلايق سر به کار خود دارند و با خدای خود در عبادات پیر مرد گفت: وقتی با دلی بر عشق در مردم بنتگری آنان را آنگونه بینی که هستند نه آنگونه که خود خواهی

پیر مردی بر قاطری بنشسته بود و از بیاناتی می گذشت. سالکی را بزید که پیاوه بود پیر مرد گفت: ای مرد به کجا رهسپاری؟ سالک گفت: به دهی که گویند مردمش خدا نشاسته و کیه و عدالت می وزند و زنان خود را از ارت محروم می کنند پیر مرد گفت: به خوب جایی می روی سالک گفت: چرا؟ پیر مرد گفت: من از مردم آن دیارم و دیری است که چشم انتظام را کسی بیابد و این مردم را هدایت کند سالک گفت: پس آنچه گویند راست باشد؟ پیر مرد گفت: ترا راست چه باشد سالک گفت: آن کلام که برواقعیتی صدق کند پیر مرد گفت: در آن دیار کسی را نشاست که در آنجا منزل کنی؟ سالک گفت: نه. پیر مرد گفت: مردمانی چنین بد سیرت چگونه نور امیزیان باشند؟ سالک گفت: ندانم پیر مرد گفت: چندی میهمان مایاوش، باعی دارم و دیوی است که با دخترم روزگار می گذرانم سالک گفت: خدلوند تو را عزت دهد اما نیک آن است که به همانه مردمان کچ کردار روم و به کار خود رسما پیر مرد گفت: ای کوکب هدایت شی در منزل ما بیتوه کن تا خود را بیازیابی و هم دیگران را بازاری سالک گفت: برای دیپین شتاب دارم پیر مرد گفت: نقل است شیخی از آن رو که خلاائق را زوخته به جنت رساند آلان را ترکه می زد تا هدایت شوند. ترسم که نه بیز با مردم این دیار کچ کردار آن کنی که شیخ گرد سالک گفت: ندانم که مردم بانز که به جنت بروند یا نه؟ پیر مرد گفت: پس تأمل کن تا تحمل نیز خود اید. خلاائق با خدای خود سرانجام به راه ایند پیر مرد و سالک به باع رسیدند. از دروازه باع که گذش کردد سالک گفت: خطا که اینجا جنت زمین است. آن چشم و آن پرندگان به غایت مسربت بخشن اند پیر مرد گفت: بر آن نخت بنتشین تا دخترم ما را میزبان باشد دختر باشال و دستاری سیر امد و عنگی شربت بیلورد و ترد میهمان بتهاد، سالک در او خبره بماند و در لحظه دل باخت. شب را آنچا بیتوه کرد و سحر گاهان که به قصد گردن نماز برخاست پیر مرد گفت: با آن شتابی که برای هدایت خلق داری پنداش که امروز را رهسیاورد سالک گفت: اگر مجالی باشد امروز را میهمان تو باشم پیر مرد گفت: تأمل در احوال ادمیان راه نجات خلاائق است، اینگونه کن سالک در باع قدمی بزد و کنار چشمی برفت. برنده ها را نیک نگریست و دختر او را میزبان بود. طاعمنی لذیذ بیلو داد و گاه با او هم کلام شد. دختر از احوال مردم و دین خدا نیک آگاه بود و سالک از او عرق در حیرت شد. روز دیگر سالک نماز گزارد و

حدیث از تربیت افراد

سید ابوالحیم سادات (مرتضوی)

کرده اند : الف - خانواده

خانواده، نسبتین و حساسترین پایگاه تربیت است. از اولین تعلیم عاطل مادر را فرزند که هنگام شوردن برقرار می شود تا روابط اندیشه ای افراد خانواده بهمه و همه در نحوه تشکیل ساختار شخصیت کودک موثرند. خانواده پل ارتباط فرد با جامعه است. خانواده ای که جو معنوی و علمی در آن حاکم باشد و روابط میان اعضای آن محبت امیر، عادلانه و بر اساس درک متقابل، نظام و وظیفه شناسی باشد، فرزندانی پرورش خواهد داد که علاوه بر سعادت خود خامن سعادت جامعه نیز خواهد بود. موضوع نقش بدیگری و تقلید کودک باشد بسیار جدی گرفته شود زیرا رفتار و گفتار اعضای خانواده و گایشها و باورهای آنان در ضمیر صاف و نی غبار کودک متعکس می شود. در محبت و طایفه والدین در تربیت فرزند تذکر چند نکته لازم است :

-1-والدین رفتار صحیح داشته باشند زیرا رفتار کودکان متأثر از رفتار اینهاست. آنها باید گلوهای دینی مناسبی برای کودکان خود باشند.

-2-باید فرزندان خود را به عادیهای نیکو خودهند و آنان را از عادات ناشایست برخیردار نمایند البته باید برای حفظ رفتار نا مطلوب فرزند، از رفتار نادرستی چون، تنبه بدینی استفاده کرد. والدین باید رفتار دینی را خوب انجام دهد و از کودک و نوجوان خود بخواهند تا آن را تعریف و تجزیه کند.

-3-والدین باید مردمان شایسته ای را برای تربیت کودکانشان در نظر بگیرند. والدین و مردمان باید برای رفتار کودکه از شیوه تشویق و تنبه صحیح استفاده کنند.

-4-والدین باید فرزندان را به خواندن کتابهای مفید ترغیب نمایند. اگر در خانواده ای پدر و مادر کتاب بخواهند و علاوه به مطالعه داشته باشند، کودکان نیز خیلی زود با کتاب آشنا خواهند شد. ب - مدرس

مدرس، عامل مهم دیگری در تکوین تخصیت علمی و تربیتی است. بیان فراگیری دلش اموزان از معلم هم شاگردیها، جو علمی مدرس و..... بسیار گسترد و قابل توجه است. معلم همواره می تواند از طریق هزاران رشته مرتضی و لطفی، با زرقای قلب دانش اموز ارتباط سازنده ای برقرار کند و به عنوان اسوه ای در هدایت تواثیلهای و شکوفا سازی استعدادهای او مفید واقع شود. اگر دانش اموز، معلم خود را تنهایه مرجع علمی، بلکه گره گشای روحی و معنوی خود باید، در برابر او تسلیم می شود و مسر زندگی خوبی را با کلام و رهنمودهای وی هماهنگ می سازد؛ به همین علت، مدرس باید هم محیطی برای اموزش و هم فضایی برای پیروزی باشد . لامه دارد.

نوشته ای را که در پیش رو دارید شامل مباحث مختلف ولی در عین حال عربیط با هم دیگرند که در زمینه تربیت اولاد از کودکی گرفته تا دوران نوجوانی و جوانی و نفس والدین در سربوشت فرزندان را مورد بحث و مطالعه قرار داده است.

اگرچند سخن گفتن درباره موضوعات ذکر شده دلیلی بر آن نیست که خودم به تمام اینجeh بیان شده اند جامه عمل پوشانده ام بلکه تلقیگویی است به تمام زبان و عادران متعدد و وظیفه شناسی جامعه اسلامی بوبیزه خودم که اگر چنانچه تا کنون نسبت به قضیه کم توجه شده و یا متن خیلی از بیرون و مادران دیگر که اسروره از کنار این امر به سادگی می گذرند، به سادگی گذشته ام اینکه با تمام تلاش و لرده مصمم سعی بر جبران ماقلات تعابیر و شما خواننده محترم که در جوگه عشق پیوستید و یا خواهید بیوست نیز کم همت نسبت و پیش از پیش نسبت به این مقاله همچو سرمایه گذاری کنید تا همگی ما به دستگاری ابدی تابیل شویم و مصداق این ایه شریفه «المال والبنون

زینة الحيوة الدنيا والباقيات الصالحة » جمعه (2/مال) و اولاد زینت دلیا محسوب شده و معنوان باقیات و حالات در زندگی بعد از مرگ مطرح است «. قرار بگیریم. جه اینکه نفس والدین در سرنشت اولاد گستر از نفس اهنگری در خم و راست کردن و جهت دادن آهن گذاخته شده نیست. جذلکه بیابر اسلام می فرماید « کل مولود بولد علی فطرته فابوه ان ینصرانه او یهودانه او یمجسانه «هر یچه ای که از مادر عتمولد می شود بر فطیت خدا پرستی بدنبالی اید و این بدر و مادر اند که او را به چه این و یکی دیگر اوردو سر توشتیش را رقم میزند. باعید آنکه همه ما بتوانیم پیش از پیش فرزندان نیکو و شایسته ای تربیت و پرورش داده و تحولی جامعه اسلامی مان بدهیم .

۱. «اهمیت تربیت »
«هوالذی بعثت فی الاممین رسولاً منعمٰ ينثوا علیهم
ایاته ویزکیهم ویعلمهم الکتاب والحكمة وان كانوا
من قبل لفی ضلال نبین (۱)

مسئله تربیت مستله حیات و معاد ملتهاست. بینای آن در خانواده آثار و در محیط آموزش و اجتماع تکمیل می گردد. کودک، این موجود فرشته گونه، موضوع تربیت و امانتی از خدا در دست والدین است. تربیت به معنای باروری و شکوفایی بذرهاي نهفته و گتیف گنجینه های بینهان وجود انسان است. تربیت به معنای رشد، نفو و پرورش دادن است. هدایت به سوی حق و کمال و رسالتی به حد بلوغ در تشخیص و تزکیه نفس و اخلاقی و عمل از جمله مقاومیت تربیتی می باشند که در قرآن مجید به کار رفته: صاحب نظران، چهار عمل اصلی تربیت را به شرح زیر تعریف



٢١٦

- سیزده بار معلم اسلامی ۴
و شاهد ملت اقبال افخار آفریده ۴
الله حضرتی (رسانید) ۴
علم و تربیه در اخلاقیت ۲۰
از هنر و لوسیته فلسفیانی ۲۰
جهانی ۲۱

مکالمه ۱

مسئله بدن نهری ۱
HM پس خوب و بایران گلشهری ۱
ناکفه های اندیار ۱

آنکه سیزده ۳
سوایم ۳

حقوق و ازدواجی اسلامی ۲۰
از زیری به نهضه هر دو ۲

سیزدهی فرهنگی ۲
نهادهای نهضتی ۱

انتقال نکاریم ۱
زینتی اسلام پایه ای ۱
زینگی اسلام صدای ع ۱
با از لرگان ایروقون ۱

0803855

155

2. mit Klaus und Frank

154

C. 1955. 565. 11. 5.

493

• 34 •

卷之三十一

Naive Causal Inference

copyright 2006

Digitized by srujanika@gmail.com

— 1 —

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

copyright © 2006

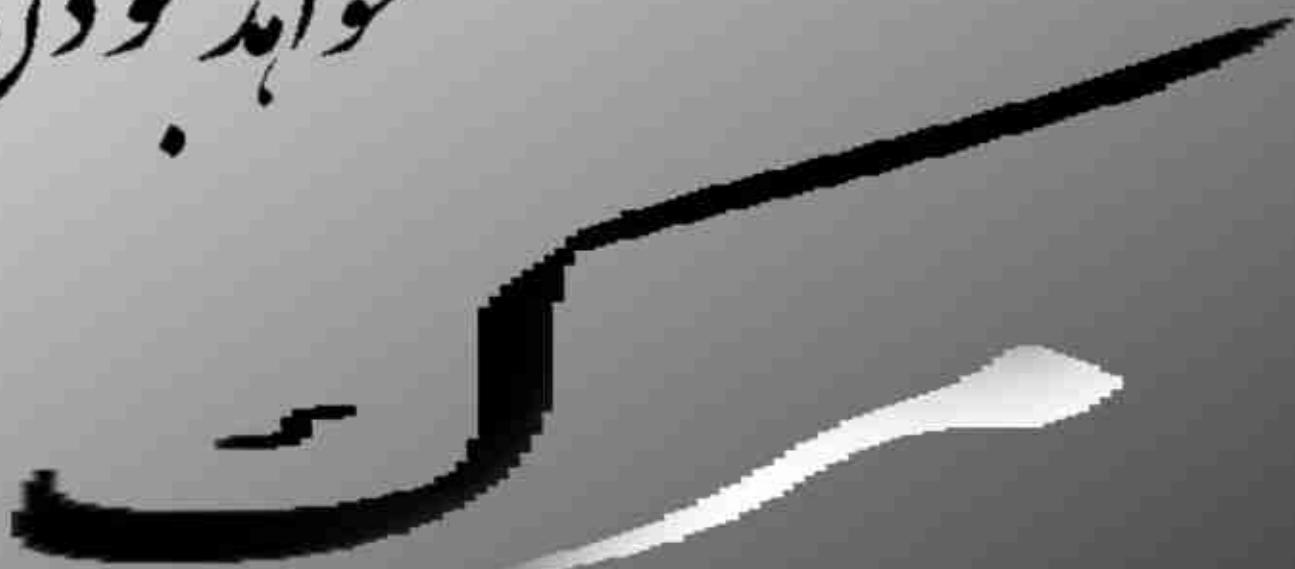
click manager@oarsmail.com

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

فای گزراي هم همه گفتنه با يك عده معموم الخلل نهاده از نامن عرب «رگشته تحت حموان سران
خراب و فقل و مصله مگان لتوی چون گه شرگ هم اوپر ادامه نهاده
تسبیب اسلی لعن اموران در مکاف شکل می گزید و مقدمه چهاروي و سوار شیوه های رفعی
را لاه همین مکاف شکل با خواهد گرفته چون لعنلا می تواند شکوهم و کی از زینه های شکل گزید
نمکه به» کودک در مکاف احتمام می گذر و از همکاف هم «هداهای ادعی و هفا» هم یکه دل گذشت
از عصی خود را من شود
جه دلا که [۱۲] . خلخله حلقه سله باستان در گفت به طلن داستن غوبه در سپهر
نهاده و زینات اشقلی اهل خیانت و بداری بیش در جهن
از اهل این جهاده همچو اهل خوب و اهل خوبه لجه
آدمه
آدم و هی خوش بسته سوچهشم هم خفر بسته ماما کشی که نور آدانه



نحو اہد بودن



رسک در دلخت
که پس از نما می ماند